لا اله الا الله

رهبران غرب: اسلام را نابود کنید
مسلمانان را از بین ببرید

جلال العالم



۱۰

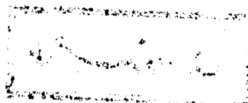
طاهر قادری

مەعبودی موتلق حەزرەتی پولە
بۆ دونیای ئێمرۆ یەکجار سەقبولە.

رهبران غرب:

اسلام را نابود کنید،
مسلمانان را ازبین ببرید

نویسنده: جلال العالم



■ **اسم کتاب:** رهبران غرب: اسلام را نابود کنید، مسلمانان را از بین ببرید

□ **نویسنده:** جلال العالم

□ **ترجمه:** نشر توحید

□ **ناشر:** نشر توحید

□ **چاپخانه:** خواندنیها

□ **تیراژ:** ۳۰۰۰ جلد

□ **حروفچینی:** مؤسسهٔ سلطانی

□ **سال چاپ:** چاپ اول سال ۱۳۶۶ هـ . ش

«فهرست کتاب»

بسْـم الله الّـرحمـنٰ الّـرحیم

اِسْـتغاثـه

به هر فرد مُسلمان متعهّد و درستکار امّت اسلامی.

بـه رهـبران و مسئولان اجرائـی در کلیـهٔ کشورهـای اسْـلامی اعلام می‌داریم.

دشمـنان ما می‌گویـند: لازمـسـت اسلام را نابود کنـیم چـون که هستهٔ مـرکـزی نیـروهـای مُسلـمیـن اسـت پس ازآن مـی‌تـوان مسلّط شد، اسلام ما را می‌ترساند و از او وحشت داریم، بـه قصْد نابودی اسْلام می‌بایـد کلیهٔ نیروها را بسیج کنیم و آمادهٔ مقابله و مبارزه با مسلمین باشیم.

شما ای حکّام و فرمانروایان متقابلاً چه اقدامی می‌کنید؟ می‌توانید به وسیلهٔ اسلام جهان را فتح کنید. همچـنانکه دانشمندان و سیاستمداران جهان اظـهـار داشته‌اند، پس چرا مـردد هسـتید؟ برای عزّت و افتـخـار و سربلندی به اسلام متمسّـک گردید. مـبادا با او مقابله کـنید که خداوند متـعال به عذابش هلاکتـان می‌کـند، و حتـماً روزی خـواهد رسیـد که مـؤمنان بـر کافـران پیروز می‌شوند. این حدیث شریف را که از پیغمبر اکرم (ص) مرویست بخوانید:

پیامبری را خداوند به رسالتِ اسلام مبعوث می‌دارد و پس از رحلت آن حضرت دوران زمـامداری خلافت خلـفای راشدین به سیرهٔ پـیغمبر اکرم (ص) می‌رسد و بعد از خاتـمه این دوره حکـم پادشاهی «ارثی» خواهد آمد که پس از مدّت زمان مُقدّر حُـکمشان زائـل می‌گردد و سپس دوران حـکومت ستمگران مستبـد «دیکـتاتوران» فـرا می‌رسـد و بعد نـوبت بـه خلافت اسلامی صـالحان

روی زمین خواهد رسید که به استناد قرآن کریم و سنّت رسول اکرم (ص) احکام اسلامی را جاری می‌کنند و در سراسر جهان پرچم دولت عدالت گستر اسلامی را بر می افراشند.

ای دولت مردان کشورهای جهان اسلام به این استغاثه گوش دهید و در صف یاران و حامیان اسلام قرار گیرید و از دشمنان دوری کنید، چنانچه یاور و طرفدار این دین باشید خداوند جهانیان از شما راضی و خلق خدا از شما خوشنود می‌گردند ملّتها گرد شما را گرفته و به سوی بزرگترین انقلاب جهانی که تاریخ بخود ندیده است پیش می‌تازید.

ای رهبران و فرمانروایان:

رسول خدا (ص) قریش را دعوت نمود که اسلام را بپذیرند و از او یاری و حمایت کنند و به اصحابش وعده داد که به وسیلهٔ این دین وارثان زمین گردند. پس هر کسی این دعوت آسمانی را نپذیرفت زیر سُم لشکرهای پیروزمند اسلام که در سراسر جهان پخش شده بود هلاک گردید و به زباله دانی جاوید تاریخ افکنده شد. مردم آنانرا تاروز قیامت لعنت می‌کنند و عذاب شدید جاودانه آلهی منتظرشان است.

رسول خدا (ص) وعده فرمود که اسلام پیروز می‌شود و سرتاسر روی زمین را می‌پوشاند و بی‌شک فرمودهٔ آن حضرت چنین خواهد شد. پس بگوش بوده و مواظب رفتار و کردارتان باشید.

مبادا جزو گروه لعنت شدگان دائمی قرار گیرید بلکه سعی کنید در صف جماعت اسلامیان پیروزمند جاویدان بوده باشید.

«وَاللهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

خداوند بر امر خود غالب است و لی بیشتر مردم نمی‌دانند.

طرابلس لبنان

۱۵ / ۸ /۱۹۷۴

دشمنان را مشاهده کنید
چگونه زهر کینه‌شانرا می‌ریزند

هر فردی که تاریخ روابط بین غرب و ملّتهای اسلامی را مطالعه می‌کند خواهد دید غربیها کینهٔ شدیدی را بر علیه اسلام که تا سر حد جنون می‌رسد در دل دارند، این کینه با وحشت عمیقی از اسلام به شدیدترین وجه در روحیّهٔ اروپائیان وجود دارد. ما از این کینه و آن ترس و وحشت تا جائیکه مربوط به احساسات شخصی و فردی باشد به ما ارتباط ندارد، ولی در صورتی که این دو عامل از مهمترین عوامل تبلور فرهنگ غربی در مقابل ملّتهای اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی بوده باشد در این صورت برخورد ما به طور اصولی با آنها تغییر میکند.

سخنان و اظهارات حکّام غرب بهترین گواهی در این زمینه می‌باشد، لذا مشاهده می‌کنیم که فرهنگ غربی با کلیهٔ تشعّبات قومی و رنگهای سیاسی در مقابله با اسلام یکی است. آنها همگی کوشش می‌کنند اسلام را نابود کنند و وجود ملّتهای مسلمان را باقساوت هر چه بیشتر تصفیه نمایند.

در جنگهای صلیبی خطرناک متّحداً کوشش کردند اسلام را در هم کوبند ولی ملیونها ارتش و سپاهی چون به سرزمینهای اسلامی حمله نموده با شکست مواجه شدند، پس از این شکست مجدّداً با برنامه‌ریزی و

نقشه‌آماده می‌شوند تا با ارتش و تجهیزات و تسلیحات امروزی و افکار جدید مجدّداً به قصد نابودی اسلام به مسلمین یورش آورند.

سرباز صلیبی، هنگامی که کلاه خود و لباس جنگی خود را به قصد حمله و تصرف سرزمینهای اسلامی می‌پوشید با صدای رسا چنین خطاب می‌کرد.

ای مادر...
نمازت را تمام کن... گریه و زاری مکن.
بلکه خندان و خوشحال و با خبر باش که.
من به طرف طرابلس می‌روم...
در حالیکه خوشحال و مسرور هستم...
خون خود را در راه نابودی امّت لعنت شده به زمین می‌ریزم.
من با دیانت اسلامی مبارزه می‌کنم.
با تمام نیرو که دراختیارم دارم جهت محو قرآن خواهم جنگید...[1]

سپاهیان کینه و دشمن امت اسلامی درحالی پیروز گردیدند که بدترین حکّام و مسئولان مملکتی بر کشورهای اسلامی فرمانروائی می‌کردند آنها به ملّتهایشان ستم روا داشتند تا لگد مال شده و از بین رفتند.

سپاهیان غرب پس از اینکه حکّام مزدور مسلمین زمینه را برایشان آماده نمودند بر مُسلمانها پیروز شدند.

آیا می‌دانید پس از پیروزی چه کارهائی را انجام دادند؟

مسلمین را کشتار و مساجد را خراب یا به کلیسا مبدّل کردند و کتابخانه ها را سوزاندند. و سپس ملّتهای مسلمان را به آتش خود سوختند.

در این مورد شاهد گفتار ما نوشته ها و اظهارات خود دشمن است که نمونه هائی از جنایاتشان را که در مناطق مختلف جهان اسلام مرتکب شده برای خوانندگان گرامی تعریف و بازگو می‌کنیم.

---

۱ ـــ به کتاب القومیة و الغزو الفکری صفحهٔ ۲۰۸ مراجعه شود.

۱ ـ در آنْدُلُسْ «اسپانیا»

خانم دکتر سیجرید هونکه می‌گوید:

در دوّم ماه ژانویه سال ۱٤۹۲ میلادی کاردینال (دبیدر) صلیب سرخ رنگ را بر قلعهٔ پادشاهی خاندان ناصری نصب نمود، این عمل به منزلهٔ انقضای حکومت مسلمین بر اسپانیا تلقی گردید.

با خاتمهٔ دوران حکومت مسلمین در اندلس فرهنگ عظیم اسلامی که در قرون وسطی بر قارّهٔ اروپا حکمرانی می‌نمود به فراموشی سپرده شد، مسیحیّت که به پیروزی رسیده بود فقط به مدّت زمانی ناچیز قرار دادهایش با مسلمین را محترم شمرد ولی پس از آن به قصد نابودی مسلمین و فرهنگ و تمدّن اسْلامی حمله را شروع نمود.

لذا اجرای احکام اسلامی بر پیروانش ممنوع شد و نیز استفاده از زبان و نامهای عربی محظور گردید و لباس پوشیدن به سبک اسْلامی جز و مقرّرات ممنوعه‌از طرف دولت مسیحی اسپانیا اعلام شد، و هر مخالفی پس از اینکه به شدیدترین وجهی شکنجه می‌گردید زنده زنده در آتش می‌سوزاندند.[1]

و این چنین وجود ملیونها مسلمان در اندلس تصفیه گردید و یک مسلمان در کشور اسپانیا وجود نداشت که بتواند علناً اسلام خود را اظهار کند. آیا می‌دانید چگونه مسلمین را شکنجه می‌کردند؟! چنانچه نام محاکم تفتیش را شنیده باشید از موضوع با خبرید. و در صورتی که نشنیده‌اید به اطلاعتان می‌رسانم.

پس از گذشت چهار قرن بر سقوط اندلس، ناپلئون فرانسوی ارتشی

---

(۱) القومیه ص ۱٤۷.

را جهت تصرّف اسپانیا فرستاد و فرمانی‌در سال ۱۸۰۸ میلادی صادر کرد که محاکم تفتیش دراسپانیا را منع می‌نمود.

گروهی را جهت جستجو با خود به یکی از دیرها که اطّلاع یافتیم در آن محکمه تفتیش وجود دارد بردیم، پس از جستجوهای اولیه نتیجه‌ای نگرفتیم لذا مأیوسانه تصمیم گرفتیم از دیر خارج شویم دراثنائی که مشغول بازرسی بودیم راهبها قسم خورده و تأکید می‌کردند که آنچه در بارهٔ این دیر شایع شده تهمتهای دروغی بیش نیست و رئیس آنان باصدای آهسته درحالیکه سربزیر و نزدیک بود اشک از چشمانش بیرون آید بی گناهی خود و اتباعش را برای ما تأکید می‌نمود، پس به سربازها دستور دادم آماده شوند از دیر خارج گردیم ولی افسر زیر دست من «دی‌لیل» اجازه خواست صحبت کند و اظهار داشت مأموریّت ما تا به حال به اتمام نرسیده به او گفتم همه جای دیر را جستجو کردیم ولی هیچ چیز مشکوکی نیافتیم پاسخ داد، من مایلم زیر زمین این اطاق را جستجو کنیم چون در دلم خطور کرده که سرّی درونش نهفته هست در این لحظات راهبها با نگاههای حاکی از ترس و وحشت به ما نگاه می‌کردند به افسرها اجازه دادم بازرسی کنند به سربازها دستور صادر گردید فرشهای گرانبها را از کف اطاق کنار زنند به دستور آن افسر در هر اطاقی جداگانه آب زیادی ریختند. ناگهان در یکی از اطاقها آب فرو رفت (دی لیل) افسر معاون از شدّت خوشحالی فریاد زد به این در نگاه کنید پس از مشاهده در زمین مخفی مشخص شد قسمتی از زیرزمین آن اطاق به شکل مرموزی توسّط حلقهٔ کوچکی که به جنب پای رئیس دفتر دیر قرار گرفته بود به زیرزمین راه داشت و از آنجا باز می‌گردید.

سربازها با قنداق تفنگ آن در را باز نمودند، در این لحظات رنگ از روی راهبها پرید و ناراحتی در چهره‌شان مشاهده گردید.

در باز شد، پلّکانی آنجا قرار داشت که به زیر زمین منتهی می‌گردید، شمعی که بیش از یک متر طول داشت جلوی عکس یکی از

رؤسای سابق محاکم تفتیش روشن بود. لحظه‌ای خواستم به زیر زمین بروم، یک راهب مسیحی دستش را روی شانه من گذاشت و با مهربانی گفت: ای پسرم: این شمع را به دستی که به خون جنگ آلوده است مگیر چون که شمعی مقدّس است.

در پاسخ گفتم، ای آقا دست من لایق نیست که با تماس گرفتن با شمع شما که آلوده به خون بیگناهان است نجس شود. خواهیم دید که کدام یک از ما نجس و قاتل خونریز است.

از پلکان به پائین آمدم و سایر افسران و سربازان با شمشیرهای آخته به دنبالم می‌آمدند تا به آخرین پله رسیدیم، خود را در اطاق بزرگ مربّع شکلی دیدیم که محل دادگاه بود در وسط عمودی از سنگ قرار داشت که یک حلقهٔ آهنی ضخیمی به آن متّصل و زنجیرهائی به منظور بستن محکومین بر آن حلقه آویخته بودند. مقابل این عمود میز رئیس دادگاه و قضاوت محاکمهٔ بیگناهان قرار داشت. پس از آن به اطاقهای شکنجهٔ انسانها که به مساحتی بزرگ زیر زمین کشیده شده بود برخوردیم آنجا چیزی دیدم که تصوّرش همیشه مرا رنج و آزار می‌دهد و عواطف انسانی مرا جریحه‌دار می‌سازد.

اطاقکی را به حجم جسم یک انسان مشاهده نمودم قسمتی از آن به طور عمودی و قسمتی دیگر به طور افقی ساخته شده بود، زندانی اطاقکهای عمودی مجبور بود در این مکان تنگ آن قدر روی پا بایستد تا مرگش فرا رسد، و نیز زندانی اطاقکهای افقی آن قدر در این مکان به حالت دراز کشیدن بگذارند تا لحظه‌ای که جان دهد. جسدها پس از مرگ در این زندان تنگ به قدری می‌ماندند تا نابود شوند. و گوشت از استخوانشان بریزد، و طعمهٔ کرمها گردد. و جهت خروج بوی اجساد متعفّن پنجرهٔ کوچکی را به بیرون باز گذاشته بودند.

در این اطاقها هیکلهای بشری را دیدم که هنوز در زنجیر و بند

بودند این زندانیان که از مرد و زن تشکیل می‌شدند در سنین عمر از چهارده سالگی الی هفتاد سالگی به چشم می‌خوردند تعدادی از زندانیان را پس از باز کردن زنجیرهایشان و در لحظات اخیر زندگی از مرگ نجات بخشیدیم.

گروهی از زندانیان در اثر شکنجه های وحشتناک عقل خود را از دست داده و به حالت روانی به سر می‌بردند و کلیهٔ زندانیها برهنه بودند، به طوری که سربازها مجبور شدند لباسهایشان را از تن بیرون کنند و به تن زندانیان بپوشانند.

زندانیان را به طور تدریجی به محیط خارج بُردیم تا در اثر برخورد با نور خورشید دیدشان را از دست ندهند. آنها از خوشحالی گریهٔ شوق می‌کردند و دست و پای سربازها را می‌بوسیدند که از این شکنجهٔ وحشتناک نجاتشان دادند و زندگی دوباره را باز یافتند، منظره این صحنه، دل سنگ را می‌گریاند. پس از آن به اطاقهای دیگر رفتیم، آلات و لوازم عجیبی را که موی بدن آدمی از دیدنش می‌ایستد مشاهده کردیم، از آن جمله آلاتی جهت شکستن استخوانها و له نمودن گوشت انسان به نظر می‌رسید. ابتدا استخوانهای پاوسپس استخوانهای سینه و سر و دستها را به طور تدریجی می‌شکستند تا کلیهٔ جسم را لِه می‌کردند. و از طرفی دیگر تکه هائی از استخوانهای خرد شده و گوشت چرخ کرده‌ای که با خون عجین شده بود در می‌آمد. این چنین با زندانیان بیگناه عمل می‌کردند.

پس از آن جعبه‌ئی بدستمان رسید که به حجم سر یک انسان ساخته شده بود، پس از اینکه سر آن انسان بدبختی را که بخواهند شکنجه کنند در آن می‌گذارند دستها و پاهایش را با زنجیر می‌بستند تا نتواند، حرکت کند و در بالای آن جعبه سوراخی بود که قطرات آب سرد بطور مداوم، هر دقیقه یک قطره بر سر او می چکید تعداد بی‌شماری از این شکنجه دیوانه شدند فرد شکنجه شده در این حالت به سر می‌برد تا مرگش فرار رسد. آلت شکنجه دیگری تابوت مانند را دیدیم که درونش چاقوهای

تیز بُرنده نهاده بود جوانی را که می‌خواستند شکنجه کنند در این تابوت قرار می‌دادند و در آن را محکم می‌بستند پس از برخورد جسم آن بیچاره با چاقوها بریده شده و زجر می‌دید.

آلاتی دیگر دیدیم که در زبان انسان فرو می‌کردند و بعد آن را می‌بستند تا زبان آن شکنجه شده بدبخت قطعه قطعه شده و از دهانش بیرون آید.

آلتی دیگر مانند کلبتین را در پستان زنان فرو نموده و با شدّت بیرون می‌آوردند تا پستانها قطعه قطعه شده یا باچاقوها آن را می‌بریدند.

تعدادی از تازیانه‌های آهنی خاردار را دیدیم که به اجساد شکنجه شدگان در حالی که برهنه بودند می‌زدند تا پس از شکستن استخوانها گوشت بدنها از استخوانها جدا شود[1] این شکنجه‌ها مخصوص فرقه‌های مسیحی مخالف عمل می‌شد حالا بامسلمین چه می‌کردند؟ بلاشک شکنجه و آزار نسبت به مسلمین شدیدتر و سخت‌تر بوده است.

۲ ــ محاکم تفتیش در کشورهای اسلامی:

به نظر می‌رسد این محاکم تفتیش به مناطق مختلف جهان اسلامی رسیده تا حکّام جنایتکار و فاجر که بر جان و مال ملّت‌های مسلمان مسلّط شده‌اند بر پا می‌کردند. یکی از شاهدان عینی قسمتی از شکنجه‌هائی که در یکی از کشورهای اسلامی در بارهٔ گروهی از علمای مجاهد به کار برده‌اند چنین تعریف می کند.

پس از یک روز شکنجهٔ شدید مأموران جنایتکار با تازیانه ما را به سلّولها بردند و دستور دادند که برای روزی سخت دیگر برای شکنجه آماده شویم. صبح روز بعد جلاّدها حاضر شده و دستور دادند فوراً از سلّولها بیرون آئیم. با زحمت کلّیهٔ نیروها را در پاهای ضعیف و خستهٔ خود جمع

۱ ــ کتاب محاکم التفتیش دکتر علی مظهر به نقل از کتاب التعصب والتسامح نوشته استاد محمد غزالی صفحات ۳۱۱ــ۳۱۸ به اختصار نقل گردیده.

می‌کردیم که مبادا تازیانه مأموران که تعدادشان از ما بیشتر بودند بربدنمان فرود آید. در نهایت ما را به بیابانی زیر آفتاب سوزان که در اطرافش مقادیری زغال سنگ قرار داشت بردند، و زغال سنگ را روشن کردند تا به رنگ گل سرخ در آمد. نزدیک این آتش چوبه‌ای از دار که به سه پایه قرار داشت بر پا داشتند. ناگهان از دور صدای فحّاشی به گوشمان رسید چون به طرف صدا نگاه کردیم پنج نفر از مأموران، جوانی را به جلو می‌راندند تعدادی از زندانیان حاضر او را شناختند نامش **«جاویدخان امامی»** یکی از علمای آن شهر بود.

صدای سگها فضای آنجا را پر کرده بود تعداد ده مأمور را مشاهده نمودیم دو سگ بزرگ را که قدّشان یک متر بود با خود می‌آوردند بعداً مطّلع شدیم دو روز است غذا به سگها نداده‌اند.

مأموران به جاوید خان جوان در حالیکه چشمانش بسته بود نزدیک شدند ما که بیش از یک صد زندانی ناظر صحنه بودیم بیش از یک صد و پنجاه مأمور مُسلّح به تفنگ و مُسلسل اطرافمان را احاطه کرده بودند. ناگهان ده نفر از مأموران همچون درندگان به جاوید حمله کردند و او را روی زمین نشانده و در دامنش سه پایه چوبی نهادند و دست و پاهای او را محکم به آن بستند به طوری که نتواند دراز کشد فقط به همان حالت بنشیند و بعد او را روی آتش سُرخ شده قرار دادند که فریاد دلخراشی زد و از هوش رفت. بیش از نیمی از زندانیان که شاهد صحنه این جنایت بودند بیهوش شدند و فریادهای دردناک می‌زدند. بوی گوشت سرخ شده بدن جاوید در فضای آنجا پیچید. خوشبختانه من بیهوش نشده ولی به شدّت می‌گریستم تا بقیهٔ جنایت را که از قسمت اوّل، هولناکتر است مشاهده کنم.

دست و پای بسته جاوید را باز نمودند ولی او در حال بیهوشی بود، پس او را بر همان چوب محکم به داربستند جلّادهای جنایتکار آن دو سگ گرسنه را که دهانشان تا آن لحظه بسته بود باز کردند آن دو حیوان

مشغول خوردن گوشت بدن سرخ کرده جاوید شدند در حالیکه هنوز زنده می‌بود با مشاهده این صحنه تعادل خود را از دست داده و بیهوش شدم.

چون از حالت بیهوشی در آمدم مانند دیوانگان در سلّول خود فریاد می‌زدم و بی اینکه متوجه باشم نام جاوید را تکرار می‌کردم. ای جاوید ای جاوید. سگها تو را خوردند. برادران زندانی با پارچه دهان مرا به سرم بسته بودند تا صدایم به گوش دژخیمان نرسد و در نتیجه وضعی مانند جاوید یا شاهان خانی که همچون من نام جاوید را تکرار می‌کردند و صدای فریادشان به گوش جلاّدها می‌رسد. بشکه‌ئی را که نیمی از آن مملو از شن بود روی بدنش قرار می‌دهند و او را روی سیم خاردار که به طور افقی نهاده بودند می‌کشند تا گوشت بدنش قطعه قطعه شد و درحالیکه فریاد، الله اکبر، الله اکبر سر می‌داد خطاب به مأموران می‌گفت: ای ستمگران روزی می‌رسد که زیر لگد خردتان کنیم و سپس جان داد. در نهایت از هوش رفتم.

چون به هوش آمده و دیده گشودم خود را در یکی از بیمارستانها دیدم، و از این مهمتر با شگفتی سفیر کشورم را دیدم که نزدیک سرم ایستاده وخطاب بمن میگوید حالت چگونه است به نظر می‌رسد بخواست خدا بزودی شفا یابی چنانچه دراین کشورغریب نبودی نمی‌توانستم آزادت کنم ناگهان ازمن سؤال نمودترا به خدابگواین جاوید کیست که نامش را فریاد می‌زدی کلیهٔ مشاهدات را برای اوبازگو کردم رنگ از چهره اش پرید تا به حدّی که ترسیدم بی هوش شود.

هنوز صحبت تمام نشده بود که پلیس سراغ مرا می‌گرفت افسر پلیس به تخت من نزدیک شد و حکمی را مبنی بر خروج فوری از کشور بدستم داد و هرچهٔ سفیر کوشش و وساطت نمود تا سلامتی کامل در بیمارستان بمانم نتیجه‌ئی نبخشید مرا با خود برده و در داخل کشتی گذاشتند تا به بندر کشورم رسیدم در حالی که لباس بیمارستان به تنم بود

به وسیلهٔ تلفن با خانواده‌ام‌تماس گرفتم در اوّلین وهله دیدار مرا نشناختند و فوری به اولین بیمارستان بردند در آنجا مدّت سه ماه بستری بودم و دائماً در گریه و زاری می‌گذراندم که خداوند سلامتی مرا عطا فرمود:

در خاتمه صحبت چنین گفت:

بدانید که مدیر زندانها فردی یهودی، ومسئول شکنجه کارشناس آلمان نازی است.

۳ ـ نمونه‌های دیگری از شکنجه در حبشه را مشاهده می‌کنیم.

دولت حبشه با کمک و پشتیبانی فرانسه و انگلستان بر منطقهٔ مُسلمان‌نشین اریتره مسلّط گشت حالا ملاحظه کنید چه جنایات و شکنجه‌هائی را در این منطقه مرتکب شدند.

دولت حبشه بیشتر زمینهای این منطقهٔ اسلامی را مصادره کرده و به زمین خواران و کاهنان و فئودالهای حبشی بخشید که بدون مراجعه به مقامات دولتی مکلّف بودند هر مسلمانی را به قتل رسانند یا هر وقت که می‌خواستند کشاورزان بیگناه خود را به دار می‌آویختند.

برای کشاورزان مُسلمان زندانهای دستجمعی وحشتناک تأسیس کردند.

با تازیانه‌هائی که بیش از ده کیلو گرم وزن داشت به بدن کشاورزان می‌زدند. و وحشتناکترین شکنجه‌ها را در مورد نامبردگان به کار می‌بردند و دستها و پایشان را به یکدیگر می‌بستند و در سیاه‌چالها می‌افکندند و به همین حال مدّت ده سال یا بیشتر به سر می‌بردند. هنگامی که از این زندانها بیرون می‌آمدند قدرت ایستادن سر پا را نداشتند چون کمرهاشان خمیده و شکل قوسی به خود گرفته بود.

کلیهٔ این جریانات قبل از اینکه هیلاسلاسی زمام امور را به دست گیرد انجام می‌گرفت چون نامبرده امپراطور حبشه شد با نقشه و برنامه‌ریزی

به مدّت پانزده سال مسلمانان را تصفیه کرد و با این عمل ننگین خود در کُنگرهٔ آمریکا مباهات و افتخار می‌نمود.

به منظور تحقیر و ذلّت مسلمین مقرّراتی را وضع نمود از آن جمله لازمست جلوی مأموران دولت به حالت رکوع روند و در غیر این صورت کُشته خواهند شد.

دستور داد به بهانه ناچیزی خونشان را بریزند، یک پلیس نزدیک دهی مسلمان‌نشین کشته شد. دولت یک گردان کامل مسلّح فرستاد و کلیّهٔ ساکنان آن-ده را قتل عام نمودند و آتش زدند پس از تحقیقات معلوم گردید که قاتل آن پلیس مقتول دوست او بوده و به علت تجاوز و خیانت به همسر دوستش کشته شده است، یکی از علمای مسلمان به نام شیخ عبدالقادر کوشش نمود بر علیه این کشتار دستجمعی قیام کنند مردان ده را جمع کرده و در جنگلها مخفی شدند دولت جنایتکار حبشه زنها و کودکانشان را در کوخهائیکه از نی ساخته بودند یک جا جمع نمود و روی آنها بنزین ریخته همگی را آتش زد و سوزاند.

دولت انقلابیون را دستگیر می‌کرد به طور فجیعی قبل از قتل شکنجه می‌نمودند. از آن جمله سیگار را در چشم وگوش آنها خاموش می‌کردند و به دختران و همسران و خواهران دستگیر شدگان در مقابل چشمشان تجاوز می‌کردند و بیضه هاشانرا با قنداق تفنگ می‌کوبیدند. و بروی سیمهای خاردار به قدری می‌کشیدند تا گوشت بدنشان قطعه قطعه شود و قبل از مرگ دست و پایشان را با زنجیر می‌بستند و زیر نوک و چنگال لاشخورها می‌افکندند تا زنده زنده طعمه آنها شود.

هیلاسلاسی فرمانی صادر کرد که مدارس مسلمین بسته و به جای آن مدارس مسیحی افتتاح کنند و مسلمین را مجبور کرد فرزندانشان را به آن مدارس بفرستند. تا به آئین مسیحی آموزش دیده و پرورش یابند.

فرمانداران فاسق و فاجری را بر مناطق اریتره تعیین نمود یکی از

آنها را بر منطقهٔ جمّه تعیین نمود او کارش را با این حکم ناروا شروع کرد که بر کشاورزان لازمست قبل از چیدن میوه و برداشت محصولات کشاورزی از او اجازه گیرند و چون اجازه نمی‌داد این کار را انجام دهند محصولات و میوه‌ها فاسد شده و از بین می‌رفت در نهایت ۹۰٪ نود درصد از زمینهای کشاورزی را مصادره نمود نیمی از آن را شخصاً سرقت نمود و نیمی دیگر رابه امپراطور بخشید و کلیهٔ اموال و مستغلّات کشاورزان مُسلمان را نیز به غارت برد.

به مسلمین دستور داد کلیسای بزرگی را در آن منطقه بنا کنند که انجام پذیرفت. پس حکم کرد در ابتدای هر شهر و دهی یک کلیسا بسازند. به این هم اکتفا ننمود بلکه خانه‌هائی را برای زنان روسپی اطراف مساجد ساخت که میخانه‌هائی در آن بود وسربازان در آنجا مشغول میگساری و عیّاشی بودند و چون وارد مساجد می‌شدند اعمال زشت و زننده‌ئی را از قبیل ادرار و مدفوع کردن در مساجد و با زنان بد نام ولگرد در حال مستی رقصیدن انجام می‌دادند. کشاورزان را اجبار نمود گاوهایشان را به شرکت یهودی انکودا بفروشند. امپراطور از اعمال ننگین و زشت او قدردانی به عمل آورد و طی فرمانی به مقام وزیر کشور ارتقا یافت و پاداش گرفت.

دولت امپراطور حبشه افراد تحصیلکردهٔ مُسلمان را دستگیر کرده وبه‌زندان می افکندند و تا زمان مرگ در زندانها بسر می‌بردند یا آنها را مجبور می‌کرد از کشور به خارج روند و بدینسان ملّت مسلمان اریتره در بیسوادی و بردگی زندگی کنند، به جز آنچه ذکر شد در این زمینه بسیاری مطالب دیگر وجود دارد[1].

٤ ــ از بنگلادش:

۱ ــ کفاح دین نویسنده استاد محمد غزالی صفحات ٦٠ ــ ۸۰.

ارتش هند که تحت فرماندهی تعدادی یهودی خدمت می‌کرد تعداد ده هزار نفر از علمای مسلمان را پس از پیروزی بر پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی قتل عام نمود و تعداد یکصد هزار دانشجوی مسلمان و کارمندان دولت راکشتار دستجمعی کرد و تعداد پنجاه هزار از علما و اساتید دانشگاهها را به زندان افکند و تعداد ۲۵۰ دویست و پنجاه هزار مُسلمان هندی را که قبل از جنگ به پاکستان مهاجرت کرده بودند کشتند ارتش مبلغ ۳۰ میلیارد روپیه از اموال مردم و دولت پاکستان شرقی را به غارت بُردند[1] در اینجا متعرّض انواع شکنجه‌هائیکه توسط ارتش هند بر مسلمین غیرنظامی پاکستان شرقی وارد گردیده که بعداً به نام بنگلادش موسوم شد نگشتیم.

مثالهای زیادی از کلیهٔ مناطق و کشورهای جهان اسلامی در دست است که شرحش باعث تألّمات روحی و فکری می‌گردد.

ولی بخواست پروردگار توانا صبح آزادی مسلمین از چنگال مستکبرین شرق و غرب از افق دمید و آگاهی و هشیاری غبار خواب قرنهای گذشته را از چهره میزداید و جان در کالبد مردگان میدمد و ما ذلک علی الله بعزیز.

اخیراً سؤال می‌کنیم:

آیا برخوردهای غربیها و اتباعشان را که بیان داشتیم مطّلع شدید برخوردهائی عاطفی و استثنائی بوده، خیر این طرحها جزو برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده در گذشته توسّط حکّام و رهبران غربْ و اتباعشان عالماً عامداً در حقّ مسلمین اجرا شده است.

این همه فعالیّت به چه منظوری بوده است؟ پاسخش را در این کتاب که به طور روشن و به استناد گفته‌ها و اظهارات رهبران غربْ بدون هیچگونه اظهار نظر یا تفسیر و تحلیل بیان می‌کنیم تا راه را برای

1 ــ ماساة بنغلادیش به قلم (محمد خلیل الله) صفحات ۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳.

گمراهانی که به دست خود موجبات نابودی ملّتهاشانرا فراهم می‌کنند تا دشمن درنده که در کمین منتظر است حمله کند و او را ببلعد.

چه مأموریت هولناکی را مزدوران دست نشانده برای اربابان خود انجام می‌دهند ملّت خود رانابود نموده و پس از آن او را همچون لقمهٔ چرب و نرم به دهان غول زشت استعمار می‌فرستند.

ای خدای بزرگ تا چه مدّت در اینحال به سر بریم. آیا زمان بیداری و آگاهی ما فرا نرسیده است؟

بَرْخوُرْدِ غَربْ بٰا اسْلاٰم

جنگهای صلیبی ادامه دارد:

غرب روابطش را با ما بر اساس اینکه تا به حال جنگهای صلیبی بین او و مسلمین ادامه یافته بنا نموده است.

۱ ــ لذا سیاست آمریکا با ما مبتنی بر این اساس است:

ایوجین روستو رئیس بخش برنامه ریزی وزارت امور خارجه و معاون وزیر خارجه و مشاور امور خاورمیانه جانسون رئیس جمهور اسبق آمریکا که تا سال ۱۹۶۷ میلادی این پُستها را بعهده داشت چنین می‌گوید:

لازمست بدانیم که اختلافات بین ما و ملل عربْ اختلافات بین دولتها یا ملّتها نیست بلکه بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ مسیحی بوجود آمده. مبارزه و کشمکش بین مسیحیّت و اسلام از قرون وسطی و تا به حال به اشکال گوناگون ادامه داشته است. قبل از یک قرن و نیم گذشته غرب بر اسْلام مسلّط گشت و فرهنگ اسْلامی تسْلیم فرهنگ مسیحی گردید.

وی ادامه می‌دهد:

سوابق تاریخی تأکید می‌کند که فلسفه و اعتقادات ونظام حکومتی آمریکا جزئی از جهان غرب و مکمّل اوست، و این سبب می‌شود که برخوردی دشمنانه باجهان شرق اسلامی داشته باشد برخوردی که با فلسفه و عقیده دین اسلامی ارتباط دارد، آمریکا نمی‌تواند مگر در صف مخالف اسلام بایستد و طرفدار و حامی جهان غرب و دولت صهیونیسم باشد، چنانچه برخلاف آن عمل نماید با فرهنگ و فلسفه و زبان و تشکیلات خود بیگانگی کرده است. روستو هدف استعمار در خاور میانه را تشخیص و تعیین می‌کند که نابودی فرهنگ اسلامی است، و تشکیل دولت اسرائیل بخشی از این برنامه است، که فقط ادامهٔ جنگهای صلیبی به شمار می‌آید[1].

۲ ــ هشتمین جنگهای صلیبی را اللنبی انگلیسی فرماندهی کرد:

با ترسون اسمیت در کتاب «زندگانی مردمی حضرت مسیح علیه السّلام» می‌گوید جنگهای صلیبی به شکست انجامید، لیکن پس از آن حادثهٔ مهمّی رخ داد و آن زمانی بود که دولت انگلستان، هشتمین ارتش صلیبی را فرستاد و در این حمله پیروز گردید. حملهٔ جنرال اللنبی بر قدس هنگام جنگ اوّل جهانی حمله صلیبی هشتم و اخیر می‌باشد[2].

لذا روزنامه های انگلیسی عکسهای اللنبی را چاپ و نشر نمودند زیرعکسها گفتهٔ معروف آن جنرال انگلیسی را که به هنگام فتح قدس بیان داشته بود دیده می‌شد.

امروز جنگهای صلیبی خاتمه یافت

همین روزنامه خبر دیگری را منتشر کرد که خود مبیّن سیاست

---

۱ ــ معرکة المصیر صفحات ۸۷ الی ۹٤.

۲ ــ مجلهٔ (الطلیعه) چاپ قاهره مقالهٔ ویلیام سلیمان شماره ماه دسامبر ۱۹٦٦ میلادی صفحهٔ ۸٤.

کلّی انگلستان است مطلب نامبرده منحصر به گفته آن جنرال نبود:

لویدژرژ وزیر امور خارجه وقت انگلستان به جنرال اللنبی در پارلمان آن کشور به سبب پیروزی او در آخرین حملهٔ جنگهای صلیبی که او در هشتمین جنگهای صلیبی نام نهاده تبریک گفت.

۳ ـ فرانسویها نیز صلیبی هستند:

جنرال فرانسوی غورو پس از پیروزی بر لشکر میسلون بیرون شهر دمشق فوری سرگور صلاح الدّین ایّوبی که نزدیک مسجد اموی واقعست شتافت و قبر نامبرده را با لگد زد و گفت «هان ای صلاح الّدین بدان که ما برگشتیم»[۱].

صلیبی بودن فرانسویها را گفتار میسو پیدو وزیر خارجهٔ وقت فرانسه تأکید می‌کند و آن هنگامی بود که تعدادی از نمایندگان پارلمان فرانسه با او دیدار نموده و از او خواستند به منظور خاتمه جنگ فرانسویان و ملّت مراکش اقدام کند به آنها پاسخ داد:

«این جنگ بین هلال و صلیب است»[۲]

٤ ـ حزب فالانژ و شمعون جنگ لبنان را جنگی صلیبی می‌دانند:

تیتر درشت روزنامهٔ العمل لبنان که پیرجمیّل آن را انتشار می‌دهد ملاحظه می‌فرمائید همچنانکه چاپ شده است آخرین خبر از «جنگهای صلیبی»

۵ ـ پس از سقوط قدس سال ۱۹٦۷ میلادی:

چرچیل چنین گفت: بیرون آوردن قدس از دست اسلام و مُسلمین

---

۱ ـ به کتاب القومیة و الغزوالفکری ـ صفحهٔ ۸٤ مراجعه شود.

۲ ـ مأساة مراکش ـ نویسنده روم رولاند صفحهٔ ۳۱۰.

خوابی بود که پیوسته مسیحیان و یهودیان در آرزوی آن بودند خوشحالی مسیحیان از این رویداد کمتر از خورسندی یهودیان نیست. به تحقیق قدس از دست مسلمین بیرون رفت. کنیست اسرائیل سه قانون تصویب کرد مبنی بر اینکه قدس را به بخش یهودی متّصل کنند و هیچوقت در مذاکرات آینده بین مسلمانان و یهودیان به مسلمین واگذار نخواهند کرد.[1]

۶ ــ همچنین صهیونیست:

به سال ۱۹۶۷ میلادی همزمان با ورود نیروهای اسرائیل به قدس سربازان اسرائیلی اطراف دیوار ندبه را گرفته و هم صدا با موشه‌دایان شعار می‌دادند.

این روز به جای روز خیبر. انتقام کشته شدگان خیبر را گرفتیم و شعارها را این چنین ادامه می‌دادند. زردآلو را روی سیب قرار دهید دین محمد (ص) گذشت و نابود گردید و نیز این شعار را می‌دادند.

محمّد (ص) دیده از جهان بست
تعدادی دختر از او ماند.

در این هنگام شاعر محمد فیتوری قصیدهٔ زیبائی راخطاب به حضرت رسول اکرم (ص) به نظم آورد.

یا سیّدی ...
بر تو باد بهترین درودها و سلامها
از امّت گمشده‌ای که...
فرهنگ تباهی و سیاهی بر او چیره گشته
یا سیّدی ...
هنگامیکه دریا را با سد پُر کردیم
و بین ما و شما مرزها ساخته شد..

---

۱ ــ راندولف تشرشل، حرب الأیّام السته صفحه ۱۲۹ از ترجمهٔ عربی.

مرگمان فرار رسید...
چهار پایان یهودی ما را لگد مال نمودند[1]

۷ ــ اسرائیل از صلیبی بودن غرب به نفع خود استفاده کرد.

طرفداران اسرائیل در پاریس قبل از شروع جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی تظاهراتی براه انداختند و شعارهائی بدست داشتند، ژان پل سارترنیز با آنها همراهی می‌نمود و بر روی شعارها صندوقهای اعانه و کمک به اسرائیل یک جمله که از دو کلمه تشکیل یافته بود به چشم می‌خورد.

«با مسلمین بجنگید»

آتش حماسه غربیهای صلیبی شعله‌ور گشت، فرانسویها ظرف چهار روز مبلغ یک ملیارد فرانک فرانسه به اسرائیل کمک نمودند... دولت غاصب اسرائیل کارت تبریکی به چاپ رساند که روی آن نوشته بود «شکست هلال». ملیونها از این کارت به نفع اسرائیل به فروش رفت و به منظور تقویت صهیونیسم که دنباله‌رو صلیبیهای اروپائی در منطقه و مجری اهداف آنان در جنگ با اسلام و نابودی مُسلمین هستند اسرائیل را یاری کردند[2].

دژ تسخیر ناپذیر:

اینجا سؤالی پیش می‌آید که:

نظیر برخوردهای تاریخی گذشته و شکست مسیحیّت از اسلام آیا مجدداً غرب‌جنگ صلیبی دیگری‌را بر جهان اسلام به راه می‌اندازد و یا خیر؟

۱ ــ الشعب و الأرض ــ جلد اول صفحۀ ۳۴ ــ و درس من النکبة الثانیه صفحۀ ۷۶.
۲ ــ طریق المُسلمین الی الثّورة الصّناعیّة صفحات ۲۰ ــ ۲۱.

یا عوامل دیگری باعث شده که غربیها جنگهای صلیبی دیگری را علیه جهان اسلام تدارک ببینند. از اظهارات مسئولان و دولتهای غرب چنین به نظر می‌رسد که آنها به سبب عوامل دیگر با اسلام می‌جنگند چون دژ تسخیر ناپذیری که با او در نبرد و ستیزند و مانع تسلّط و استثمارشان بر جهان به شمار می‌آید فقط اسلام است.

۱ـ لذا تنها مانع و نیروی مُستحکم که جلوی استعمار را سدّ کرده همان اسلام است.

لُورانسْ براونْ می‌گویدْ:

اسلام یگانه دژ مستحکمی است که جلوی استعمار اروپا را سد کرده است[۱] گلادستون نخست وزیر اسبق انگلستان می‌گوید:
تا زمانیکه قرآن دست مسلمین باشد اروپائیان نخواهند توانست بر شرق مسلّط گردند[۲] فرماندار نظامی فرانسوی در الجزائر در یاد بود گذشت یکصدسال بر استعمار الجزایر چنین اظهار داشته تا زمانی که الجزائریها قرآن می‌خوانند و به زبان عربی صحبت می‌کنند امکان ندارد بر آنها پیروز شویم، لذا لازمست که قرآن را از بین آنها برداریم و زبان عربی را ریشه کن کنیم[۳].

۲ ـ اسلام را مانعی می‌دانند که جلوی نفوذ کمونیستی را می‌گیرد.

در سر مقاله شماره ۲۲ روزنامهٔ «کیزیل اوزباخستان» که به سال ۱۹۵۲ میلادی صادر شد چنین می‌نویسد: امکان ندارد قبل از نابودی کامل اسلام مرام و ایدلوژی کمونیستی را مستحکم کنیم[۴].

---

۱ ـ التبشیر والاستعمار ـ صفحهٔ ۱۸٤.
۲ ـ الاسلام علی مفترق الطرق، نویسنده محمّد اسد صفحه ۳۹.
۳ ـ مجلّهٔ المنار شمارهٔ ۹ ـ ۱۸ ـ ۱۹٦۳ میلادی.
۴ ـ الاسلام والتنمیة الإقتصادیه ـ جاک اوستری ـ ٥٦.

۳ ـــ معتقدند اسلام مانع انتشار مسیحیّت و تسلّط استعمار بر جهان اسلامست:

یکی از مبشّرین مسیحی می‌گوید:

نیروئیکه در اسلام وجود دارد و همانند دژ مستحکم غیر قابل نفوذ جلوی انتشار مسیحیّت را سد کرده، و کشورها و سرزمینهائیکه زیر سیطره و تسلّط مسیحیّت قرار داشت به تسلّط خود در آورده است.

اشعیا بومان در مقاله‌ئی که در مجلّهٔ تبلیغی العالم الاسْلامی انتشار داده نوشته است هیچ اتّفاقی چنین پیش نیامده است که ملّتی مسیحی اسلام را بپذیرند و سپس به مسیحیّت رو آورد[1].

خرشچف در صحبتی که با انقلابیون الجزائری داشت چنین گفت:

اسلام انقلابی جاودانی است چونکه دین ملّتهای مستضعف و دین ملّتهای انقلابی بوده همان دینی که متعرّض فشار و مبارزه علیه آن توسّط صلیبیهای اروپای صلیبی گردیده است[2].

٤ ـــ اسلام را تنها خطر مانع استقرار صهیونیسم و اسرائیل می‌دانند.

نخست وزیر اسبق اسرائیل بن گوریون می‌گوید: مهمترین مسأله‌ئی که باعث هراس و وحشت ماست آن که در جهان عربْ محمّد (ص) جدیدی ظهور کند[3]. یک افسر عالی رتبهٔ عربی که در جنگ ۱۹٤۸ میلادی بدست نیروهای یهودی اسیر گردید می‌گوید فرماندهٔ ارتش یهودی او را قبل از آزاد نمودن به دفترش دعوت کرد و با خوش زبانی با او صحبت

---

۱ ـــ التبشیروالإستعمار نویسندگان خالدی و فروخ ـــ صفحهٔ ۱۳۱.

۲ ـــ القومیة و الغزوالفکری صفحهٔ ۸۸.

۳ ـــ روزنامهٔ الکفاح الاسْلامی سال ۱۹۵۵ میلادی شمارهٔ هفته دوم از ماه آپریل.

نمود افسر مصری از او سؤال می‌کند: آیا می‌توانم سؤال کنم چرا به ده صورباهر حمله نکردید؟

صورباهر دهی است که در نزدیکی قدس قرار گرفته.

فرماندهٔ اسرائیلی سرش را به زیر افکند و پس از مدّتی طولانی به او پاسخ می‌دهد علّت اینکه به ده صورباهر حمله ننمودیم وجود نیروهای فراوان داوطلب مُسلمان مُتعصّبْ در آنجا بود.

افسر مصری با شگفتی فوراً می‌پرسد دلیلش چه بود، شما به مراکز دیگری که نیروهای بیشتری در آنجا حضور داشتند حمله نمودید فرماندهٔ اسرائیلی پاسخ می‌دهد آنچه گفتید صحیح است و لیکن ما دریافتیم که این داوطلبان مُسلمان متعصّبْ با جنگجویان نظامی دیگر به طور کلّی تفاوت دارند، جنگیدن نزد این گروه تکلیفی نیست که طبق دستورات صادره عمل کنند بلکه علاقه‌ئی است که با حماس و عشق جنونی به آن رو می‌آورند آنها در این مورد مشابه سربازان ما با اعتقاد راسخ حمایت از اسرائیل می‌جنگند.

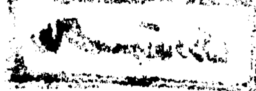
ولی اینجا نیز یک فرق بزرگ بین سربازان و این داوطلبان مُسلمان وجود دارد سربازان ما برای تشکیل وطنی که در آن زندگی کنند می‌جنگند. اما سربازان داوطلب مُسلمان برای این می‌جنگند که کشته شوند. آنها مرگ را با عشق نزدیک به جنون طالبند و همچون شیاطین با آن روبرو می‌شوند حمله بر امثال این افراد خطر بزرگی در بر دارد و مانند حمله به جنگلی است که از حیوانات وحشی مملو باشد و ما مایل نیستیم این چنین ریسک خطرناکی کنیم اضافه بر آن حمله بر این گروه احتمالاً مناطق دیگری را علیه ما بشورانند و لذا کلیهٔ طرحها و نقشه‌ها را به هم می‌ریزند و آنچه را که می‌خواهند بدست می‌آورند.

افسر مصری از پاسخ فرماندهٔ اسرائیلی شگفت زده شده ولی سؤال خود را دنبال می‌کند که علّت حقیقی ترس و وحشت یهودیان از جنگجویان

داوطلب مسلمان را مطّلع گردد به سؤال از او ادامه می‌دهد نظر واقعی خود را برای من بیان کنید چه شده است این جماعت مرگ را بر زندگی ترجیح داده و به نیروئی عظیم که هر ناممکن را ممکن می‌سازد مبدّل شده‌اند افسر اسرائیلی بدون توجّه پاسخ داد ای جناب افسر علّتش در دین اسلام نهفته است ناگاه زبانش گرفته شد و کوشش نمود که پاسخ خود را مخفی کند و چنین اظهار داشت این گروه فرصت بدستشان نیامد، همچنانکه برای من پیش آمد که مسائل زندگی را به طور دقیق و آگاهانه مطالعه کنند و خود را از خرافات و شعبده‌بازی و بازرگانان دین آزاد کنند آنها قربانیان بدبختی، هستند که منتظر وعدهٔ اسلام پس از مرگ به بهشت بروند و در ادامهٔ پاسخ اضافه نمود این متعصّبان مُسلمان گره کوری در راه صلح و استقرار هستند لازمست با همدیگر علیه آنان بکوشیم تا خطربزرگی را که از جانب آنها علیه کلّیهٔ کوششهای اتّخاذ شده جهت ایجاد روابط سالم و آگاه بین ما و شما میشوند بر طرف کنیم و دنبالهٔ صحبتش را ادامه داد مثل کسیکه می‌خواهد افسر مصری را علیه این مسلمانها تحریک کند: تصوّر کنید خطر نامبردگان منحصراً متوجّه ما نیست بلکه خطری است که شامل شما هم نیز می‌گردد چون که اوضاع و احوال کشور شما قبل از نابودی این جماعت هیچوقت آرامش بخود نمی‌بیند مگر زمانی که صدای دعوت به جهاد و شهادت در راه خدا خاموش شود. این منطق مخالف قرن بیستم است. قرن دانشهای پیشرفتهٔ بشری و سازمان ملل و حقوق انسان و افکار عمومی جهان.

فرماندهٔ اسرائیلی در خاتمهٔ صحبتش چنین گفت:

ای افسر محترم، من از دیدار شما خوشوقت، هستم و از صحبتهای بی‌پردهٔ یکدیگر مسرور و امیدوارم دیدار دیگری در فضائی برادرانه داشته باشیم و با یکدیگر همکاری کنیم و متعصّبان مُسلمان باکلمات جهاد و عشق به شهادت در راه خدا برنامه ما را به هم نریزند.



۵ ــ معتقدند که وجود اسرائیل رانابودی اسلام تضمین می‌کند:

نویسندهٔ صهیونی «ایرل بوغر» در کتاب عهد و شمشیر که در سال ۱۹٦۵ میلادی منتشر نمود اینگونه اظهار می‌دارد:

«اساسی که همزمان با پیدایش اسرائیل بر آن پایه‌گذاری گردید این است: روزی خواهد رسید که اعراب با او همکاری کنند و به منظور عملی شدن این همکاری لازمست بر علیه کلّیهٔ عناصریکه احساسات دشمنی علیه اسرائیل را در جهان عرب برمی انگیزند از بین برد این عناصر ارتجاعی در قشر علمای دین و رؤسای قبایل شناخته شده و مشخّص گردیده اند.

٦ ــ اسحاق را بین روزیکه جیمی کارتر به ریاست جمهُوری ایالات متّحدهٔ آمریکا انتخاب شد خبر زیر را اعلام داشت و کلّیهٔ خبرگزاریها قول او را منتشر کردند.

مشکل ملّت یهود اینست که دین اسلام، هنوز در دوران دشمنی و توسعه طلبی به سر می‌برد و آمادگی ندارد با نیروی قوی مقابله کند مدّت زمان طولانی خواهد گذشت که شمشیر اسلام در غلاف برود[۱].

یگانه دشمن

دشمنان اسلام منحصراً این دین را مانع منافع خود نمی‌دانند بلکه با اعتقاد راسخ معتقدند که تنها خطر تهدید کنندهٔ این دولتها اسلام است.

۱ ــ لورانس براون می‌گوید:

رهبران ما را به ملّتهای مختلفی می‌ترساندند و لیکن پس از آزمایش

---

۱ ــ شماره ۳۲٤ مجلّه کویتی المجتمع تاریخ صدور ۱۹۷٦/۱۱/۹ م.

دلیلی برای وحشت و هراس از آنها ندیدیم.

ما را به خطر یهودی و خطر اژدهای ژاپنی و خطر بلشویکی می‌ترساندند ولی معلوم شد که یهودیان دوستان ما هستند و بلشویکهای کمونیستی با ما متّفق هستند امّا ژاپنیها دولتهای دموکرات بزرگی هست که متکفّل مقابله با آنهاست. خطر واقعی را در اسْلام می‌بینیم که قدرت توسعه و تسلّط و زنده بودن شگفت‌انگیزی را دارا استْ[۱].

۲ ــ اینجا صحبت گلادستون را تکرار می‌کنیم:

تا زمانیکه قرآن در دست مسلمانان باشد اروپا، هیچوقت نمی‌تواند بر شرق اسلامی مسلّط گردد و خود نیز در آرامش امنیت زندگی نخواهد نمود[۲].

۳ ــ مستشرق گاردنر می‌گوید:

نیروئی که در اسلام نهفته همان مادّه‌ای است که اروپا از او بیمناکست[۳].

٤ ــ هائوتو وزیر خارجه اسبق فرانسه می‌گوید:

هیچ مکانی روی زمین وجود ندارد که اسلام در آن نفوذ ننموده و بین مردم آن دیار منتشرنگشته، اسلام تنها دینی است که مورد گرویدن شدید مردم به او می‌باشد که هیچ دینی مانند او نیست.[۴]

۵ ــ آلبر مشادورمی‌گوید:

کسی چه می‌داند؟ شاید روزی بیاید که مسلمین کشورهای غربی راتهدید کنند، از آسمان به زمین فرودمی‌آیند تا اینکه در موقعیّت مناسب جهان را برای دوّمین بار تسخیر کنند و صحبت خود ادامه می‌دهد من

---

۱ ــ جلد هشتم صفحهٔ ۱۰، لورانس براون از کتاب التبشیر والاستعمار صفحهٔ ۱٤۸ نقل می‌کند.

۲ ــ الاسلام علٰی مفترق الطرق صفحهٔ ۳۹.

۳ ــ التبشیر والإستعمار صفحهٔ ۳٦ ــ چاپ چهارم.

۴ ــ الفکر الاسْلامی الحدیث وصلته بالاستعمار الغربی صفحهٔ ۱۸.

پیشگو نیستم، ولی شواهد دال بر این احتمالات زیاد است. لذا نه اتم و نه مُوشکها قدرت مقابله با این سیل خروشان را ندارد.

به تحقیق مُسلمان بیدار شده و فریاد می‌زند، من اینجا هستم هنوز نمرده‌ام و از این روز به بعد وسیله‌ای دست دولتها و قدرتهای بزرگ و دستگاههای جاسوسی آنها نخواهم بود[1].

٦ ـ اشعیابومان در مقالهٔئی که در مجله العالم الاسلامی منتشر نموده می‌گوید:

به اندازه‌ای ترس از اسلام لازمست که بر جهان غرب مستولی گردد، این ترس عواملی دارد یکی از آن تعداد مستمر افزایش پیروان این دین است که از تاریخ ظهور اسلام و تا به حال رو به ازدیاد بوده است عامل دیگر وحشت از این دین حکم جهاد است که یکی از ارکان دین اسلام به شمار می‌رود[2].

٧ ـ آنتونی تاتیچ در کتاب عربْ می‌گوید:

از زمانی که حضرت محمّد(ص) دعوت به اسلام نمود و یارانش را در اوائل قرن هفتم میلادی جمع آوری نمود و اوّلین انتشار اسلام شروع گشت. برجهان غرب لازمست که حساب اسلام را مانند نیروئی دائمی و مستحکم که از آن طرف دریای مدیترانه با آن روبرو هستیم به حساب آوریم.[3]

٨ ـ سالازار در کُنفرانسْ مَطْبوعاٰتی اظْهاٰر داٰشت:

خطر واقعی بر فرهنگ ما اینست که مسلمین هنگام تغییر نظام جهان بر ما ایجاد کنند.

روزنامه نگاری اظهار داشت ولی مسلمین گرفتار اختلافات خود هستند پاسخ داد ترسم از این است از بین آنها شخصی ظاهر شود که

---

١ ـ لِمَ هٰذا الرّعبْ کلّه من الإسْلام نوشته استاد جودت سعید.

٢ ـ التّبشیر والإستعمار ـ صفحهٔ ١٣١.

٣ ـ ویلیام بولک: الولایات المتّحده والعالم الغربی، و کتاب القومیّه والغزوالفکری صفحهٔ ٤٢.

اختلافاتشان را به طرف ما حواله کند[1].

۹ ــ مقام مسئولی در وزارت خارجهٔ فرانسه به سال ۱۹۵۲ میلادی می‌گوید:

به گمان من کمونیسم خطری برای اروپا ایجاد نمی‌کند خطر واقعی که ما را به طور مستقیم و به شدّت تهدید می‌کند همان خطر اسلام است، مسلمین یک جهان کاملاً مُستقل از جهان غربی دارند که دارای فرهنگ تاریخی و معنوی مخصوص به خوداست و لایق هستند که پایه و اساس جهانی جدید را وضع کنند بی اینکه شخصیّت فرهنگی و معنوی خود را در فرهنگ غربی تحلیل کنند. چنانچه وسائل تولید صنعتی در بُعد گسترده‌اش برای آنها فراهم گردد جهان را با فرهنگ غنی و پربار خود پس از زدودن فرهنگ غربی و فرستادن آن به موزه‌های تاریخی فرهنگ اسلامی را جایگزین می‌کنند.

ما فرانسویها در مدّت زمان طولانی که بر جزائر حکمرانی می‌کردیم نتوانستیم بر شخصیّت اسلامی ملّت الجزائر پیروز شویم،لذاپس از کوششهای فراوان و تحمل مشقتهای طاقت فرسا شکست خوردیم.

جهان اسلامی غولی است که در بند باشدْ و تا به حال خود را به‌خوبی نشناخته و در حالت اضطراب به سر می‌برد و از عقب‌ماندگی و انحطاط رنج می‌برد و مایل است آینده‌ای بهتر و آزادی بیشتر داشته باشد،در حالی که می‌خواهد میل و رغبت خود را در محیطی پر ازآشوب و با تنبلی جامهٔ عمل بپوشاند.

لذا ضرورت دارد هر چه جهان اسلام بخواهد با وعطا کنیم و کوشش نمائیم در ناتوانی صنعتی وفنی باقی بماند،تا نهضت نکند چنانچه در تحقیق این هدف عاجز ماندیم و این غول از بند نادانی و عقدهٔ عجز و حقارت و ضعف آزاد شد شکست بزرگی خورده‌ایم، و خطر جهان عرب و پشت او نیروهای اسلامی خطرمهمّی‌است، که غرب را تهدید نموده و

---

۱ ــ جندالله صفحهٔ ۲۲.

سپس دوران فرهنگی غربیها که بر جهان فرمانروائی می‌کردند منقضی می‌گردد[1].

۱۰ ــ **مورو بیر گر** در کتاب «جهان معاصر عرب» می‌گوید ترس از اعراب و توجّهی که به ملت عرب داریم به علّت وجود چاههای نفت فراوان آنها نیست بلکه به سبب اسلام است.

لذا لازمست با اسلام مبارزه کنیم تا مانع وحدت اعراب گردیم که در نتیجه به نیرومندی و قدرت آنها می انجامد چونکه قدرت اعراب، همیشه با قدرت اسلام و عزّت و انتشار آن همبستگی داشته است. اسلام که به سهولت و سادگی در قارهٔ آفریقا منتشر می‌گردد ما را به هراس و وحشت افکنده است[2].

۱۱ ــ هانوتو وزیر خارجه وقت فرانسه می‌گوید:

علیرغم پیروزی ما بر امّت اسلامی و مسلّط شدن بر آنان خطر قیام مستضعفین که آن را مغلوب نمودیم وجود دارد به دلیل اینکه همّتشان تا به حال از بین نرفته است[3].

۱۲ ــ پس از استقلال الجزایر یکی از بزرگان مستشرقین در مادرید تحت عنوان چرا می‌خواستیم در الجزایر باقی بمانیم سخنرانی نمود و پاسخ مشروحی بر این سئوال داد که خلاصه اش چنین است؛

ما نیم میلیون سرباز را بمنظور شراب انگور یا زیتون در بیابانهای الجزائر بسیج ننمودیم. ما خود را دژ مستحکم اروپا می‌دانستیم در مقابله با حملهٔ احتمالی مسلمانان جزائری و برادران همکیششان، مسلمانانی که با گذشتن از دریای مدیترانه اندلُس را بازپس گیرند و با ما وارد جنگ بواتیه جدیدی در قلب فرانسه شوند و پس از پیروزی، اروپای ضعیف را زیر سلطهٔ

---

۱ ــ جُندُ الله صفحهٔ ۲۲.

۲ ــ مجلّهٔ روزالیوسف شماره مورخه ۱۹۶۳/۶/۲۹ میلادی

۳ ــ الفکر الاسلامی الحدیث وصلته بالاستعمار الغربی صفحهٔ ۱۹.

خود که همان آرزوی امویان مبنی بر تغییر دریای مدیترانه به دریاچهٔ اسلامی خالص باشد، جامهٔ عمل بپوشانند.

ما با این علّت در الجزایر می‌جنگیم[1].

۱۳ ـــ در اوّلین هفتهٔ ماه یازدهم سال ۱۹۷٤ میلادی رادیو لندن در اولیّن شبی که وزیر خارجه فرانسه سوفاینارک از اسرائیل دیدار می‌کرد و با مسئولان آنجا تماس می‌گرفت پس از اینکه در بیروت با رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین دیدار نمود و در آخرین مرحله دیدار نامبرده با مسئولان اسرائیلی اتفاق افتاد، از سیاست فرانسه انتقاد به عمل آمد چون که از اعراب برعلیه اسرائیل طرفداری نمود و فلسطینیها را تأیید می‌کرد. و به علّت دیدار سوفاینارک با یاسرعرفات حمله نمودند در اینجا وزیر خارجهٔ فرانسه خشمناک شده و فریاد زد لازمست سازمان آزادی بخش فلسطین را به رسمیّت بشناسید یا اینکه منتظر باشید کلیهٔ اعراب حکم جهاد را برعلیه شما صادر کنند، تعجّب از این است که رادیو لندن این خبر را مجدّداً پخش ننمود، همچنانکه کلیهٔ رادیوهای عربی این خبر را منتشر ننمودند.

لذا فرانسه هنگامی که از اعراب طرفداری می‌کند علّتش اینست مبادا دشمنی با اعراب روح جهاد در مسلمین را بیدار کند و مبارزه‌ای بی امان را بر علیه جهان غرب و فرهنگش را شروع کنند و در نتیجه باعث نابودی آنها گردد و همین علّت کافیست که فرانسه را متقاعد کند با مسلمین از راه مسالمت‌آمیز برخورد کند و دیگران را به همین سیاستْ دعوت نماید.

۱٤ ـــ رادیو لندن به تاریخ صبح روز ۱۹۷٦/٤/۱۰ میلادی به مناسبت گشایش کنفرانس جهان اسلامی در لندُن اعلام نمود:

احسْاسات عمومی در غرب مُعتقد است چنانچه مسیحیّت وضعیّت فعلی خود را در مقابله با اسلام تغییر ندهد به طوریکه با اسلام

---

۱ ـــ روزنامهٔ الأیّام سال ۱۹٦۳ میلادی.

همکاری نموده و شر را از جهان ریشه کن کند نه اینکه اسلام را یکی از شرهای جهان بدانند چنانچه این طور عمل نکنند آیندهٔ جهان و آئین مسیحیّت به خیر و خوشی نخواهد گذشت.

اسْلام را نابود کنید

دشمنان اسلام جهت نابودی این آئین آسمانی چگونه عمل می‌کنند:

به جز یک راه جلوی آنها که همان نابودی اسلام باشد وجود ندارد.

۱ ـــ مسیحیّت و یهودیّت آماده شده‌اند با مُسلمین بجنگند این دو آئین امیدوارند که بتوانند بر دشمن مُشترک خود پیروز شده و اسلام را نابود کنند[۱].

۲ ـــ گاردنر می‌گوید:

جنگهای صلیبی به علت آزادی قدس نبوده بلکه به سبب نابودی اسْلام بر پا شده است[۲].

۳ ـــ ارتشهای استعماری هنگام آمادگی نبرد بامسلمین سرودی به این مضمون می‌خواندند. من می‌روم تا امّت لعنت شده را زیر لگد خرد کُنْم.

با دین اسلام بجنگم، و قرآن را با تمام نیرو که درتوان دارم محوو نابود کنم.

٤ ـــ و شعار «با مُسلمین بجنگید» که اسرائیل آن را در زمان جنگ سال ۱۹٦۷م در اروپا پخش نمود که با استقبال بی‌سابقه‌ای در کشورهای غربی روبرو شد.

---

۱ ـــ استعباد الإسلام صفحهٔ ٤٤.

۲ ـــ التبشیر والإستعمار صفحهٔ ۱۵۵ و جذورالبلاء صفحهٔ ۲۱۰

۵ ــ فیلیپ فونداسی می‌گوید:

برای فرانسه ضروری است که با اسلام مقابله و مبارزه کند و سیاست دشمنی با اسلام را دنبال نماید و حداقل کوشش نماید که انتشار آن را متوقّف کند[1].

٦ ــ مستشرق فرانسوی کیمون در کتاب «بائولوجیا اسلام» می‌نویسد:

دیانت محمدی (ص) همانند بیماری جذامی است که بین مردم منتشر شده است و آن را از بین می‌برد بلکه او بیماری هولناک و فلج عمومی و جنون خطرناکی است که انسان را به تنبلی و بیروحی سوق می‌دهد. و او از این حالت کسلی و بیحالی بیدار نمی‌شود مگر اینکه او را به خونریزی وادارد. مرقد حضرت محمّد (ص) تیر برقی است که در سر مسلمین جنون می‌آفریند در این مکان مظاهر دیوانگی و بیماری عقلی تا به درجه ایکه انتهایش معلوم نیست می‌رسد. مسلمین از مصرف گوشت خُوک و شراب خودداری می‌ورزند و از موسیقی دوزی می‌کنند که رفته رفته جزو عادات اصیل آنها می‌گردد.

این مستشرق دیوانه اضافه می‌کند:

لازمست یک پنجم از تعداد مُسلمین را نابود کنیم، و حکم اعمال شاقّه را بر بقیه اجرا نمائیم، و کعبه را ویران و مرقد حضرت محمّد (ص) و جسدش را در موزهٔ لوور قرار دهیم[2].

به نظر می‌رسد که فرماندهٔ لشکرهای انگلیسی در حمله به سودان این وصیّت نامه را به مورد اجرا گذارد، قبر مهدی سودانی را که قبلاً سودان را آزاد کرده و فرماندهٔ انگلیسی را به قتل رسانده بود نبش قبر کرد و

---

۱ ــ الاستعمار الفرنسی فی افریقیا السوداٴ، نوشته فیلیپ فونداسی صفحهٔ ۲.

۲ ــ الإتّجاهات الوطنیّه جلد اوّل صفحهٔ ۳۲۱ ــ و تاریخ الامام جلد دوّم صفحهٔ ٤۰۹ ــ و الفکر الاسلامی الحدیث صفحهٔ ۵۱ ــ القومیّة والغزوالفکری صفحهٔ ۱۹۲.

سر او را برید و آن را به یک فاسق فرستاد و از او خواست او را جا سیگاری قرار دهد[1].

۷ ــ کاردنال برلین «بور» به مجلّهٔ انگلیسی اعلام نمود روزیکه قدس در سال ۱۹٦۷ میلادی سقوط کرد و پس از انجام نماز مسیحیان با یهودیان در کنیسای یهود که برای اوّلین بار در تاریخ مسیحیّت اتّفاق افتاد اعلام داشت: بر مسیحیان لازمست که با یهود همکاری کنند تا اسلام را نابود کرده و سرزمین مقدّس را ازسلطه‌شان آزاد کنند.

(نشرة التّعایشْ المشبوه ــ صفحهٔ ٤)

۸ ــ لوئی نهم پادشاه فرانسه در منزل ابن‌لقمان در شهر منصوره رازی را فاش نمود اصل این مطلب سندی است که در بایگانی اسناد ملّی پاریس نگهداری می‌شود نامبرده چنین بیان می‌کند:

ما نمی‌توانیم طی جنگی بر مسلمین پیروز گردیم ولی با اتّخاذ سیاستی به شرح ذیل می‌توانیم بر آنان پیروز شویم.

۱ ــ کوشش شود فرماندهان و رهبران مُسلمین را از یکدیگر جدا کنیم، چنانچه در این مهم موفّق شده لازمست با فعالیّت هر چه بیشتر این تفرقه را شدّت دهیم تا عاملی در تضعیف و ناتوانی مسلمین باشد.

۲ ــ کوشش شود درکشورهای اسلامی دولتی صالح و خدمتگذار سرکار نیاید.

۳ ــ رژیمهای حکومتی در کشورهای اسلامی را با فساد و انحراف و رشوه‌خواری و عیّاشی فاسد کنیم تا ماهی از سَرْ گَنْدِه گردد.

٤ ــ مانع تشکیل ارتشی مؤمن و میهن دوست باشیم که در راه معتقدات خود جانفشانی کند.

۵ ــ سعی شود تا مانع وحدت کشورهای عربی در منطقه باشیم.

٦ ــ کوشش گردد دولتی در منطقهٔ عربی تأسیس شود که حدود

---

۱ ــ القومیّة والغزوالفکری صفحهٔ ۲۲۲.

آن شمالاً غزّه و جنوباً انطاکیه و از شرق امتداد یافته تا به غرب برسد.[1]

نقشه‌های دُشمَنْ برای نابُودی اسْلامْ

پس از شکست اوّلین دور جنگهای صلیبی که به منظور نابودی اسلام طرّاحی شده و به مدّت دو قرن کامل ادامه یافت، دشمنان نابودی اسلام و امّت اسلامی را با آگاهی و مطالعه مورد بررسی قرار دادند، اینک مدّت دو قرن است که با کلّیّهٔ نیرو و امکان به مبارزه علیه اسْلام ادامه می‌دهند.

سیاستهای گام به گام دشمن چنین بود.

اوّل ــ نابودی حکومت اسْلامی:

دشمن با نابودی خلافت اسلامی که در دولت عثمانی مجسّم بود موفّق گردید با توجه باینکه این دولت از روح اسلام فاصلهٔ زیادی گرفته بود. و لیکن دشمنان وحشت داشتند که این خلافت ظاهری به خلافتی واقعی مُبدّل شود و با خط جدّی آن مواجه گردند.

فرصت طلائی دشمنان که مدّت یک قرن و نیم به طول انجامید و زمینه را برای این لحظات آماده می‌کردند فرا رسید و ترکیهٔ عثمانی با هم پیمانش آلمان درجنگ جهانی اوّل شکست خوردند. ارتشهای فاتح انگلیسی و یونانی و ایتالیائی و فرانسوی وارد خاک دولت عثمانی شدند و کلیهٔ مناطق کشور از آن جمله استانبول راتصرف کردند. در مذاکرات کنفرانس لوزان درمورد قرارداد صلح بین اطراف ذینفع شروع شد، انگلستان عقب‌نشینی نیروهایش را از خاک ترکیه را موکول به اجرای شروط زیر

---

۱ ــ شماره ۲۱۰۶ مجلهٔ مصری آخر ساعه ۱۹۷۵/۳/۵ سخنرانی امیرالحاج مصری در سال ۱۹۷۵ م وزیر آبیاری مصر أحمد کمال.

نمود.

أ ــ لغو خلافت اسلامی و بیرون راندن خلیفه از ترکیه و مصادره اموال او.

ب ــ دولت جدید ترکیه تعهّد کند هر جنبشی را که طرفداران خلافت بر پا کنند سرکوب نماید.

ج ــ ترکیه رابطه‌اش را با اسلام قطع کند.

د ــ با انتخاب قوانین مدنی مُقررات و احکام اسلامی را لغو نموده و کنار بگذارد.

کمال اتاتورک شروط فوق را پذیرفت و اجرا نمود و ارتشهای فاتح از ترکیه عقب‌نشینی کردند.

هنگامی که کروزن وزیر خارجه وقت انگلیس در مجلس عوام بریتانیا در مورد قرارداد صلح با ترکیه توضیح می‌داد، تعدادی از نمایندگان با شدّت به او اعتراض کردند و با شگفتی اعلام داشتند چگونه انگلستان استقلال ترکیه را به رسمیّت شناخت در حالیکه ممکنست مجدّداً کشورهای اسلامی را گرد خود جمع نموده و بر عرب بتازد.

کروزن پاسخ داد: ما ترکیه را نابود ساختیم و از این پس قدرتی نخواهد داشت چون که بر دو منبع قدرت او که یکی اسلام و دیگر خلافت بود پیروز شدیم.

با این توضیح نمایندگان مجلس انگلیس کف زدند و معترضین خاموش گشتند.[۱]

دوّم ــ نابودی و محو قرآن مجید.

همچنانکه سابقاً اشاره شد قرآن مجید را منبع اصلی قدرت مُسلمین می‌دانند و لذا عمل نمودن به دستورات قرآن مُسلمین را به قدرت و فرهنگ

---

۱ ــ کیف هدمت الخلافه صفحهٔ ۱۹۰.

گذشته‌شان می‌رساند.

۱ ــ گلاوستون می‌گوید:

تا زمانی که این قرآن در دست مسلمین باشد اروپا هیچوقت نمی‌تواند بر شرق مسلّط شود و چنانچه دیدیم خودش درامان نخواهد بود[۱].

۲ ــ مُبشّر مسیحی ویلیام جیفورد بالکراف می‌گوید:

هر زمانی که قرآن و شهر مکّه از سرزمین اعراب محو شدند، در آن هنگام می‌توانیم آنها را رفته رفته در راه فرهنگ غربی تحلیل شده وبدور از حضرت محمّد (ص) و قرآن قرار گیرند.

۳ ــ مُبشّر تاکلی می‌گوید:

لازمست قرآن را که نیرومندترین سلاح اسلام است علیه خود و اسلام بکار بریم، تا او را به طور کلّی نابود کُنیم و نیز ضرورت دارد برای مسلمین توضیح دهیم آنچه درقرآن صحیح است تازگی ندارد وآنچه که در آن جدید است صحیح نیست.[۲]

٤ ــ فرماندار فرانسوی حاکم در الجزائر به مناسبت گذشت یکصد سال بر استعمار این کشور می‌گوید لازمست قرآن عربی را از وجود مُسلمین برکنیم و زبان عربی را از مکالمه‌شان ریشه کن کنیم تا امکان یابیم بر آنها پیروز گردیم[۳].

در اثر این تصمیم حادثهٔ جالبی در فرانسه رخ داد، به منظور نابودی عملی قرآن در روحیهٔ جوانان الجزایری دولت فرانسه اقدام به تجربه‌ای در این زمینه نمود تعداد ده دختر مسلمان جزایری را انتخاب کرده پس از اینکه لباس فرانسوی به آنان پوشانید و مظهرشان را همانند دختران فرانسوی نمود به مدارس فرانسه فرستاد و پس از گذشت یازده سال کوشش در این

---

۱ ــ الاسلام علٰی مفترق الطّرق صفحهٔ ۳۹.

۲ ــ التبشیر و الإستعمار صفحهٔ ٤۰ (چاپ اوّل).

۳ ــ مجلهٔ المنار شماره مورخّه ۱۹۶۲/۱۱/۹ میلادی.

زمینه جشن با شکوهی به مناسبت پایان تحصیلات برای آنها ترتیب داد و وزراء واندیشمندان و روزنامه‌نگاران را به شرکت در آن جشن دعوت نمود. هنگامی که جشن شروع شد همگی ناگاه مشاهده نمودند که دختران جزائری با لباس اسْلامی جزائری به محفل وارد شدند. احساسات روزنامه‌های فرانسوی برانگیخته شد و سؤال می‌نمودند آیا فرانسه پس از گذشت یکصدو بیست و هشت سال استعمار در جزائر چه کار کرده است؟

وزیر مُستعمرات فرانسه لاکوست پاسخ داد در حالیکه قرآن از فرانسه نیرومندتر استْ من چه کاری می‌توانم انجام دهم[1].

سوّمْ = آزادی شهوات و فساد و انحراف مسلمین و قطع رابطهٔ روحی ومعنوی آنها با خداوند مُتعال.

۱ ــ مرماویوک باکتول می‌گوید:

مسلمین می‌توانند فرهنگ اسلامی را با همان سرعتی که سابقاً در جهان منتشر کردند گسترش دهند مشروط بر اینکه به اخلاق اوّلیه صدراسلام برگردند. چون این جهان توخالی قدرتْ مقابله با آن فرهنگ معنوی راندارد[2]

۲ ــ سموئیل زویمر رئیس جمعیّتهای تبشیر در کنفرانس قدس برای مبشّرین مسیحی که به سال ۱۹۳۵ میلادی تشکیل گردید سخنرانی نموده می‌گوید.

مأموریّت مبشّری که دولتهای مسیحی شما را به آن در کشورهای محمّدی تکلیف کرده است این نیست که مسلمین را به مسیحیّت رهنمون باشید، البتّه چنانچه بتوانید این عمل هدایت و شرف آنان در این آئین

---

۱ ــ روزنامهٔ الأیّام شماره ۷۷۸۰ مؤرخه ۱۹۶۲/۱۲/۶ میْلادی.

۲ ــ جُنْدُاَلله صفحهٔ ۲۲.

است ولی مأموریّت شما این است که مسلمین را از اسلام جدا کنید تا رابطه‌شان با خدای متعال قطع و هیچگونه رابطهٔ اخلاقی مورد اعتماد ملّتها را نداشته باشدبا اجرای این برنامهٔ پیشقراول پیروزی استعماری در کشورهای اسلامی خواهید بود. شما کلیه مغزها را در بلاد اسْلامی مهیّا و آماده نمودید در راهی که برای او فعالیّتها کرده بروند آن راه خارج کردن مسلمان از اسلام است شما نسلی را پرورش دادید که رابطه‌ئی با خدا ندارد و نمی خواهد داشته باشد لذا مسلمانان از اسلام جدا شدند و به آئین مسیحیّت نگروند و در نتیجه نسل مسلمان مطابق آنچه را که استعمار می‌خواست در آمد، به مسائل مهم توجّهی ندارد، دنبال راحتی و تنبلی می‌رود و هدفش در زندگی شهوترانی وعیّاشی است از هر طریقی که به دستش آید لذا اگر تحصیل نمود منظورش به شهوات رسیدن است و چنانچه ثروت اندوخت برای شهوترانی است و اگر به عالی‌ترین مقامات رسید در راه شهوت قدم برمی‌دارد او همه چیز را فدای هواهای نفسانی خود می‌کند، ای مبشّران بدانید که مأموریت شما به نحو احسن انجام می‌گیرد[1]

۳ ــ سموئیل زویمر در کتاب حمله بر جهان اسْلام می‌گوید:

عملکرد تبشیر نسبت به فرهنگ غربی دو مزیّت دارد یکی خراب کردن و دیگری تعمیر نمودن اما خرابی منظورمان اینست که مُسلمان را از دینش جدا کنیم و چنانچه بتوانیم او را به الحاد و بیدینی سوق دهیم. و امّا عمران منظورمان این است که در صورت امکان مسلمان را مسیحی کنیم تا با فرهنگ غربی علیه ملّت خود فعالیّت کند[2].

٤ ــ می‌گویند مهمترین راههای رسیدن به هدف نابودی اخلاق مُسلمان وشخصیّت اوست که ممکنست بوسیلهٔ گسترش بی دینی صورت گیرد.

۱ ــ مبشّر تکلی می‌گوید:

---

۱ ــ جُذورِ البلاء صفحهٔ ۲۷۵.

۲ ــ الغارة علی العالم الإسْلامی صفحهٔ ۱۱.

لازمست که مدارس بی‌دینی به سبک غربی در کشورهای اسلامی تشکیل دهیم، زیرا بسیاری ازمسلمین پس از خواندن کتابهای فرهنگی مدارس غربی و فرا گرفتن زبانهای خارجی اعتقادشان به اسلام و قرآن سُست و متزلزل می‌گردد[1].

ب ـ زویمر می‌گوید:

تا زمانی که مُسلمین از مدارس مسیحی فرار می‌کنند لازمست برایشان مدارس بی‌دینی تأسیس کنیم و تحصیل در آن را با شرایطی آسان فراهم نمائیم، این مدارس جهت نابودی روحیّهٔ اسلامی محصّلان و دانش آموزان به ما کمک می‌کنند[2].

ج ـ جبْ می‌گوید:

اسْلام قدرت تسلّط خود را در زندگی اجتماعی مُسلمین از دست داده است و دائرهٔ فعّالیّتش رفته رفته محدود شده تا اینکه در شعائری معیّن منحصر شده استْ. بیشتر این تحول و تغییر به طوز تدریجی و بدون آگاهی و تفکّر پیش آمد این تحوّل به مراحلی عمیق رسیده و امکان ندارد عقب گرد کند ولی موفقیت این تحوّلات به مقدار زیادی به مسئولان و حکّام جهان اسْلامی و جوانانشان بستگی دارد، آنچه گفته شد نتیجهٔ فعالیّت درسی و فرهنگی بی دینی بود.[3]

چهارم ـ نابُودی وحْدت مُسلمین

۱ ـ کشیش مسیون می‌گوید:

وحدت اسلامی آرزوی ملل مسلمان است، و بدین سبب کمک می‌کند از

---

۱ ـ التبشير والإستعمار صفحه ۸.

۲ ـ التبشير والإستعمار صفحه ۸.

۳ ـ الاتّجاهات الوطنيّه فى الادب المعاصر جلد ۲ صفحهٔ ۲۰۴ الى صفحهٔ ۲۰۶ تأليف محمّد حسين.

زیر تسلّط اروپا نجات یابند، تبشیر مسیحی عاملی مهم در شکست قدرت این حرکت استْ لذا ضرورت دارد افکار مسلمین را با تبلیغ مسیحیّت از وحدت اسلامی منحرف کنیم[1].

۲ ـــ مُبشّر مسیحی لورانس براون می‌گوید:

چنانچه مسلمین در یک امپراطوری عربی متّحد گردند ممکن است خطری را در جهان ایجاد کنند و نیز امکان دارد منشا خیر و برکت باشند در صورتیکه به حالت تفرقه و پراکندگی باقی بمانند نیروی مؤثّری نخواهند بود و به حساب نمی‌آیند[2].

نامبرده به سخنانش چنین ادامه می‌دهد:

لازمستْ که مسلمین و اعراب متفرق بمانند تا نیروی مؤثّری نگردند و وزنه‌ای را در جهان تشکیل ندهند.

۳ ـــ آرنولد توینبی در کتابش اسْلام و غرب و آینده می‌گوید[3].

وحدت اسْلامی در حالت خواب بسر می‌برد ولی باید بدانیم که هر خوابی حتماً روزی بیدار می‌گردد. وزیر خارجهٔ وقت فرانسه غابرائیل هانوتوهنگام قطع رابطهٔ تونس با کشورهای اسْلامی و جدا نمودن بین آن و مکّهٔ مکرّمه و گذشتهٔ اسلامی در زمانی که فرانسویان این کشور اسلامی را ملزم نمودند که قوّهٔ دینی را از قدرت اجرائی و سیاسی جدا کند ابراز خوشحالی و مسرّت می‌کند[4].

۵ ـــ خطرناکترین اخباری که در این باره متذکّر می‌گردد چنین است: در سال ۱۹۰۷ میلادی کنفرانس بزرگی در سطح کشورهای اروپائی تشکیل گردید که مهمترین متفکران و سیاستمداران اروپائی آن

---

۱ ـــ کیف هدمت الخلافه صفحهٔ ۱۹۰.

۲ ـــ جُذورِالبلاء صفحهٔ ۲۰۲.

۳ ـــ الإسلام و الغرب و المسْتقبل صفحهٔ ۷۳.

٤ ـــ هانوتو صفحهٔ ۲۱.

دوره در این کنفرانس شرکت داشتند ریاست این کنفرانس به عهدهٔ وزیر خارجه انگلستان بود در مراسم گشایش چنین گفت خطرنابودی و زوال فرهنگ اروپا را تهدید می‌کند، لذا لازمست در این کنفرانس درجستجوی چارهٔ مؤثر باشیم که مانع سقوط فرهنگ و تمدّن ما باشد. کنفرانس نامبرده به مدت یک ماه مشغول مطالعه و بررسی و مذاکرات بود.

شرکت کنندگان خطرات خارجی را که ممکنست فرهنگ اروپائی رو به زوال را به نابودی کشاند متذکر شدند وبه این نتیجه رسیدند که مسلمانان بزرگترین خطری هستند که اروپا را تهدید می‌کنند.

مشترکین کنفرانس تصمیم گرفتند طرحی را بریزند و کلیه کوششها و فعالیّتشان را بکار برند تا مانع ایجاد، هیچگونه اتّحاد و همبستگی بین کشورهای خاورمیانه بوده باشند زیرا خاور میانهٔ مُسلمان متّحد تنها خطری است که آیندهٔ اروپا را تهدید می‌کند. اخیراً تصمیم گرفتند که قومی بیگانه و دشمن اعراب و مُسلمین را در شرق کانال سوئز به وجود بیاورند تا اعراب، همچنان متفرّق و پاشیده از همدیگر باقی بمانند. و لذا بریتانیا پایه‌های همکاری و هم پیمانی خود را با صهیونیسم جهانی که دعوت به تشکیل دولت قومی یهودی در فلسطین می‌نمود استحکام بخشید.

پنجم ــ تشکیک انداختن مسلمین در دینشان

در کتاب کنفرانس کارگذاران مسیحی بین مسلمین آمده است.

مسلمین مدّعی هستند که اسلام نیاز اجتماعی بشر را برآورده می‌کند پس بر ما مبشّرین مسیحی لازمست که با اسلحه فکری و معنوی با اسلام مبارزه و مقابله کنیم[1].

با این دید کتابهای مستشرقین دشمن اسلام نوشته شده که در آن جز طعنه زدن به اسلام و تشکیک در احکام و مسخرهٔ پیغمبر اکرم(ص) مطلب

---

۱ ــ التبشیر والإستعمار صفحهٔ ۱۹۱.

دیگری به چشم نمی‌خورد.

از این سری کتابها فرهنگ نامه تاریخ بشر و پیشرفت فرهنگ و علمی او که توسّط سازمان علوم و فرهنگ «یونسکو»ی سازمان ملل متّحد چاپ و انتشار داده است، در فصل دهم از جلد سوّم در بارهٔ اسلام چنین می‌گوید.

۱ ــ اسلام تلفیقی از یهودیّت و مسیحیّت و بُت‌پرستی دوران جاهلیّت عرب می‌باشد

۲ ــ قرآن کتابی است که در آن بلاغت نیست.

۳ ــ احادیث نبوی توسّط تعدادی از مردم پس از رحلت پیغمبر (ص) به مدّت زمان طولانی وضع گردیده و به او نسبت داده‌اند.

٤ ــ فقهای مسلمین فقه اسلامی را به استناد قانون رومیها و قانون ایرانیان و تورات و قوانین کلیسا مقرّر و وضع نمودند.

۵ ــ زن درجامعهٔ اسْلامی هیچ ارزشی ندارد.

٦ ــ اسْلام اهل ذمّه را با پرداخت جزیه و خراج (مالیّات شرعی) تحت فشار قرار داده بود[1].

ملاحظه کنید با این کینه توزی و دروغ پردازی که در عالی‌ترین هیئت فرهنگی وابسته به سازمان ملل متّحد بدون هیچ شرم و حیائی چه می‌نویسند و پخش می‌کنند.

ششم ــ می‌خواهند اعراب همچنان در ضعف و ناتوانی به سر برند.

غربیها معتقدند که اعراب کلید امّت اسلامی هستند مورو برگر در کتاب «جهان عربْ» می‌گوید:

در تاریخ ثابت شده که نیروی عرب یعنی نیروی اسْلام پس

---

۱ ــ مجلّة التمّدن الإسْلامی مجلّد ٤٤ شماره ۷ صفحهٔ ۵۰۸ جولای ۱۹۷۷ میلادی.

لازمست اعراب را نابود کنیم تا آنها اسلام رانابود کنند.

هَفْتُمْ ــ ایجاد دولتهای دیکتاتوری سیاسی در جهان اسلامی:

مستشرق آمریکائی و. ک. اسمیث، و کارشناس امور پاکستان می‌گوید: چنانچه به مسلمین در جهان اسلامی آزادی داده شود، و در سایهٔ رژیمهای دموکراتی زندگی کنند اسلام دراین کشورها پیروز می‌شود، فقط توسّط رژیمهای دیکتاتوری می‌توان بین ملّتهای اسلامی و دینشان جدائی افکند.

رئیس تحریر مجلّهٔ تایم در کتاب «سفر آسیا» دولت آمریکا را توصیه می‌کند که در کشورهای اسلامی رژیمهای نظامی دیکتاتوری ایجاد کند تا مانع از دعوت اسلام و تسلّط بر امّت اسلامی گردند و در نتیجه بر غرب و استعمار و فرهنگ استعماری پیروز شوند.[۱]

در عین حال فراموش نکنند که لازمست به این ملّتها در بعضی اوقات استراحت و آزادی دهند تا منفجر نگردند.

هانوتُو وزیر خارجه فرانسه می‌گوید: هنوز خطر در افکار مسلمین شکست خورده که توسّط، ما رنجها و دردها کشیده‌اند از بین نرفته است، ولی هنوز اراده‌شان محکم و استوار است[۲].

هَشْتُمْ ــ دور نگهداشتن مسلمین از پیشرفتهای صنعتی و کوشش دربکاربردن این تفکر که همیشه مصرف کنندهٔ کالای غربیها باشند:

---

۱ ــ جُنْدُالله صفحهٔ ۲۹.

۲ ــ الفکرالاسلامی وصلتهُ بالإستعمار الغربی صفحهٔ ۱۹.

یکی از مسئولان وزارت خارجهٔ فرانسه به سال ۱۹۵۲ میلادی می‌گوید خطر واقعی که به طور مستقیم و شدید ما را تهدید می‌کند خطر اسلام است. و ادامه می‌دهد.

پس هر چه ملت اسلام می‌خواهد به او عطا نموده و او را تشویق کنیم که از تولیدات صنعتی و اختراعات و اکتشافات برکنار باشد چنانچه از پیاده نمودن این نقشه عاجز شویم، و این غول از عقدهٔ حقارت صنعتی و اختراعات آزاد گردد خطر جهان عرب که نیروهای عظیم اسلامی را به دنبال دارد خطریست که متوجّه غرب می‌شود و هم زمان دوران فرمانروائی و تسلّط غربیها بر جهان منقضی می‌گردد[1].

نهم: بطور مستمر سعی می‌کنند که رهبران نیرومند مسلمین را از زمامداری و به قدرت رسیدن در جهان اسْلامی دور نگهدارند تا مبادا به وسیله اجرای احکام اسلام جنبش اسْلامی ظهور کند:

۱ ــ مستشرق انگلیسی مونتگمری وات در روزنامهٔ تایمز لندن صادره ماه جولای سال ۱۹٦۸ میلادی می‌گوید:

چنانچه از بین مسلمین رهبر خردمندی که صفات و شروط رهبری اسلامی در او جمع گردیده و امکان یابد ملّتهای مسلمان را گرد خود جمع کند اسْلام ممکن است مانند یکی از قدرتهای بزرگ سیاسی مجدّداً در صحنهٔ جهانی ظاهر شده و درخشش کند[2]

جبْ می‌گوید:

جنبشهای اسلامی به طور شگفت انگیزی قابل تحوّل است، قبل از

---

۱ ــ جُنْدُاللّٰه صفحهٔ ۲۲.

۲ ــ الحلول المستورده صفحهٔ ۱۱.

اینکه دست اندرکاران و مسئولان متوجّه شوند ناگهان چون بمبی قوی منفجر می‌گردد که باعث شک و تردید ناظران در حقیقت امر می‌شود. لذا جنبشهای اسلامی فقط به رهبری خردمند نیاز دارد که همانند صلاح الدّین ایّوبی ظاهر شود و مسلمین را به طور متحد و یک پارچه بر علیه دشمن رهبری و فرماندهی کند[1].

۳ ــ در گذشته سخن بن گوریون نخست وزیر اسبق اسرائیل را متذکر شدیم که اظهار نموده بود.

(وحشتناکترین مسأله این است که در جهان عرب محمّد جدیدی ظهور کند).

٤ ــ همچنین سخنان سالازار دیکتاتور گذشتهٔ پرتغال را بیان داشتیم که گفته بود ترسم از این است که از بین مُسلمین شخصی ظهور کند که اختلافاتشان را به ما واگذارد.

دهم ــ فاسد نمودن زن و اشاعه انحراف جنسی:

۱ ــ مبشّر مسیحی خانم آن میلیغان می‌گوید:

در دانشکدهٔ دختران قاهره امکان یافتیم دختران اعیان و اشراف مسلمان را در کلاسها جمع کنیم، در هیچ جای دیگر امکان نداشت این تعداد از دختران مسلمان را زیر سلطهٔ مسیحیّت قرار دهیم، در نتیجه هیچ راهی نزدیکتر از این وجود ندارد که بتوانیم مانند این مدرسه دژ اسلام را نابود کنیم[2].

از این سخنان چه منظوری دارند: هدفشان این است که زن مسلمان را از دینش جدا سازند و در نتیجه کلیّهٔ نسلی که توسّط این بانوان تربیت می‌شوند همسر و برادر و فرزند همگی افرادی بی دین و ایمان به

---

۱ ــ الإتّجاهات الحديثه فى الاسلام صفحهٔ ۳٦٥ (عن الاتّجاهات الوطنيّه فى الأدب المعاصر) جلد ۲ صفحهٔ ۲۰٦.

۲ ــ التبشير والإستعمار صفحهٔ ۸۷.

جامعهٔ اسلامی تحویل می‌دهند، این گروه وسیلهٔ نیرومندی جهت نابودی ارزشها در جامعهٔ اسلامی به حساب می‌آیند که با فعالیّت و کوشش مشغول نابودی اسلام و زدودن نقش فرهنگ اسلامی در جهان هستند.

۳ ــ شخصی که از کرانهٔ عربی اسرائیل آمده بود نقل می‌کرد مقامات صهیونیستی با برنامه‌ریزیهای منظّم و آرام جوانان عرب را دعوت می‌کنند که با زنهای یهودی خصوصاً در کنار دریا اختلاط کنند این زنان و دختران یهودی با تعمّد جوانان عرب را دعوت به عمل زشت منافی عفّت با آنان می‌شوند مقامات اسرائیلی کلیّهٔ جوانانی را که به این دعوت پاسخ رد می‌دهند به بهانه اینکه ازوابستگان جنبشهای آزادی‌بخش فلسطین هستند تحت پیگرد قرار می‌دهند. همچنین به کرانهٔ باختری جز فیلمهای جنسی و سکسی وارد نمی‌کنند و نیز در نزدیکی کارخانه‌های بزرگ که کارگران عرب فلسطینی در آن بکار مشغول هستند فاحشه خانه‌های تقریباً رایگان تأسیس کرده‌اند، کلیهٔ این برنامه‌ها به منظور انحراف وفساد اخلاق جوانان اعمال می‌گردد تا اطمینان حاصل کنند که جوانان فلسطینی عضو جنبشهای آزادی بخش در فلسطین اشغالی نخواهند گردید.

آیا تحوّلی در فکر غربیها نسبت به اسلام و مُسلمین رخ داده است؟

در ده ساله اخیر مواردی در غرب اتفاق افتاد که حاکی از اعتدال و ملایمت غربیها به نظر می‌رسید، این مورد را متذکر می‌شویم و سپس تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

۱ ــ رادیو صورت العربْ قاهره خبر زیر را منتشر نمود:

دولت فرانسه تصمیم گرفته است که:

الف ــ مدّت زمانی را در رادیوی فرانسه جهت اسلام و مسلمین تعیین نموده است که برنامه‌هائی را بدین منظور تهیه و پخش کند.

ب ـ مساجدی را در بیمارستانها و زندانهای فرانسوی تأسیس کند.
ج ـ به کارگران مُسلمین به مناسبت اعیاد اسلامی مرخصی دهد.

۲ ـ به تاریخ ماه آپریل سال ۱۹۷۶ میلادی جشنواره‌ای در لندن به نام جشنوارهٔ جهان اسلامی بر پا داشتند.

مدیر کل این جشنواره جان بول کیلر اهداف این جشنواره را چنین بیان نمود:

انسان غربی از نقطه نظر فرهنگی و معنوی در خلئی زندگی می‌کند و لذا مشاهده می‌شود انسانهای غربی به مسافرت خود به شرق بطور موج (هیپی گری) در جستجوی فرهنگ جدیدی هستند که نیاز روحی و معنوی خود را با آن تأمین کنند.

مدیر جشنواره می‌گوید:

من معتقدم در زمانی زندگی می‌کنیم که دوران توجّه به فرهنگ شرق بطور اعم و اسلام بطور اخص فرا رسیده که توسط غربیها سابقه‌نداشته است. اسلام پرمایه‌ترین فرهنگ با ارزشهای معنوی است پس چرا ما این ارتباط فرهنگی را با اسلام بر قرار نکنیم خصوصاً که مشاهده می‌شود کشورهای اسلامی جای خود را به اشکال گوناگون باز کرده‌اند. لذا به فکرمان رسید جشنوارهٔ جهان اسلامی را ترتیب دهیم.

و نیز می‌گوید:

لازمست تعصّب علیه فرهنگ اسلامی را از خود دور کنیم و ما امیدواریم این جشنواره در این تعصّب زدائی ما را کمک کُند.

اضافه می‌کند: هدف از تشکیل جشنواره این است که ارزشهای اسلامی را به اطّلاع ملّت بریتانیا برسانیم و انتظار داریم که مذاکرات مفصّلی در بارهٔ ارزشهای اسلامی در زمان برقراری جشنواره که سه ماه به طول می‌انجامد ادامه یابد، در این مدت فرصت کافی بدست می‌دهد که ارزشهای اسلامی را به طور مفصّل بیان کنند علمای مُسلمین در فرصت

بدست آمده موقعیّتی مهم می‌یابند که فرهنگ اسلامی را برای دوستداران شرح و توضیح دهند و کوشش کنند پلهای ارتباطی را بین شرق و غرب پیوند دهند.

در زمان دائر بودن این کنفرانس موقعیّت استثنائی را به دانشمندان اسلامی می‌دهد که به شبهات وارده براحکام اسلامی را که توسط گروهی از متعصبان مسیحی و یهودی عنوان می‌گردد پاسخ دهند موضوع تعدّد زوجات در اسلام یکی از آن مسائلی است که جهت افکار عمومی ملّت انگلیس روشن نگردیده است[1].

۳ ــ مستشرق صهیونیستی انگلیسی معروف (برنارد لوئی) کتابی تحت عنوان **«بازگشت اسْلام»** منتشر نمود و پس از مقدّمات و تجزیه و تحلیل دقیقی که در مورد جنبشهای اسْلامی در جهان اسْلامی نموده می‌گوید:

از مجموعه آنچه گفتیم نتائج عمومی و معیّنی بدست می‌آوریم، اسلام تا به حال فعالترین نیروئی را در افکار عمومی جهان اسْلام تشکیل می‌دهد و چهرهٔ اصلی ملّتهای مسلمان به شمار می‌آید فعالیّت نیروهای اسلام در رژیمهائی که مردمی‌تر باشند بیشتر است یعنی بر اساس اعطای آزادی به ملّتها، هر شخص می‌تواند به وضوح فرق روشنی را که بین رژیمهای فعلی کشورهای اسلامی و بین رهبریهای سیاسی دارای تحصیلات غربی که از کار بر کنارشده ولی قبل از چند دههٔ گذشته حکومت می‌کردند ملاحظه کند. هر چه دولتها به عامّهٔ مردم نزدیکتر گردند گرچه پیرو مرامهای سوسیالیستی و کمونیستی باشند، اسلامی‌تر خواهند شد. تعداد مساجد ساخته شده در مدّت سه سال حکومت یکی از رژیمهای منطقه روبروی اسرائیل بیش از آنست که در مدّت سی سال گذشته

---

۱ ــ مجلة الاسبوع العربی شماره ۸٦۸ دوشنبه مؤرخّه ۱۹۷٦/۳/۹ م.

همانجا تأسیس گردیده است.

اسلام بسیار نیرومند است ولی این نیرو در سیاست داخلی کشورهای اسلامی به خوبی از آن استفاده نشده است.

احتمال دارد اسْلام به عنوان قدرتی اساسی در سیاست بین‌المللی جهانی ظاهر گردد، کوششهای زیادی در راه ایجاد سیاست همبستگی اسلامی، اتّحادیهٔ کشورهای اسلامی به عمل آمد ولی همه آن کوششها در تحقیق پیشرفت به سوی برقراری این همبستگی با شکست مواجه شد. یکی از علل این شکست آن است که افرادی که این گونه فعالیّتها را انجام می‌دادند موفق نشدند بطور جدّی ملل اسلامی را قانع کنند. و تا به حال فرصت ظهور رهبریهای فعالّتری که بتوانند ملّتهای مسلمان را گرد خود جمع کنند وجود دارد. در این مورد ادّلهٔ کافی از کلّیّهٔ کشورهای اسلامی در دست است که حاکی از عشق عمیق ملل اسلامی نسبت به این گونه رهبریها در دل دارند و آمادگی فوق‌العاده دارند که به ندای این رهبریهای اسْلامی پاسخ لبیک گویند. فقدان رهبری تحصیلکرده آگاه به اوضاع زمان، که با برنامه‌ریزی و دانش روز در خدمت اسلام باشد، غیاب این رهبری حرکت اسلامی را که نیروی پیروزمندی است به بند کشیده. رهبریهای سیاسی فعلی مانع از رشد جنبشهای اسلامی شده و رقابت خطرناکی را در بدست گرفتن زمام امور را در جهان اسلامی شروع کرده با ظُهور این رهبری حکیمانه ممکن است این جنبشها رشد کند و به نیروهای سیاسی محلّی قدرتمندی تبدیل گردند[1].

آیا این دید و گفتار به چه منظور و هدفی است؟ یعنی زمان تحوّل افکار غربیها نسبت به اسلام فرار سیده یا اینکه حیله جدیدی در کار است.

ما به تحقیق (معتقدیم) این گفتار نقش و رنگی است که غرب بر

---

۱ ــ صفحهٔ ٤٨ مجلهٔ Commentary مؤرخه ۱۹۷٦ میلادی.

چهرهٔ زشت و منفورش زده چون نیروهای اقتصادی و سیاسی جهان اسلامی به طور نیرومندی در صحنهٔ جهان ظاهر گشته است.

نیروهای اقتصادی کشورهای صادر کنندهٔ نفت خواب را از چشم جهان غرب ربوده و در صورت صحّت گزارش بانک بین المللی پول که می‌گوید فقط عربستان سعودی در سال ۱۹۸۰ میلادی دارای نیمی از پول در گردش جهان است، بنابر این واضح و روشن است که به چه علّت غربیها، هراس و وحشت از این کشورها در دل دارند. چنانچه موقعیّت استراتژی حسّاس جهان اسلام را بر آن اضافه کنیم، و کلیهٔ تنگه‌های اصلی در جهان و بیشتر دشتها و زمینهای حاصلخیز و کلیهٔ آبهای گرم که خطوط دریائی کشتیرانی بین‌المللی از آن می‌گذرد و تعداد جمعیّت مسلمانان را که یک سوم از جمعیّت جهان را تشکیل می‌دهند و بیشترین مصرف کنندهٔ کالاهای غربی به شمار می‌آیند و رونق بازار صنعت غرب کُلاً به حساب آنهاست. موادّ اولیّه صنعتی به مقادیر بسیار زیادی در کشورهای اسلامی وجود دارد، همچنین کثرت جمعیّت مُسلمین که بطور مُؤثّر بر کلیّهٔ ملتّهای جهان سوّم اثر می‌گذارد نتیجه جمع‌بندی مطالب نامبرده برای ما شدّت احساس خطر غربیها را روشن نموده و جنایات گذشته را که در حق مُسلمین اعمال می‌نمودند توجیه می‌کند.

اگر می‌بینیم که برنارد لوئی آن صهیونی مُستشرق مُعتقد است که نیروی اسلام در راه بازگشت و تسلّط بر جهان است مثل این می‌ماند که به غربیها هشدار می‌دهد مواظب باشید که مُسلمین می‌آیند. قبل از اینکه ترس را بشکنند نابودشان کنید.

دلیل بر گفتار ما چیست؟ جنگ سومالی روشنترین مدرکی است که تا حدّ زیادی شبیه به جنگ بنگلادش بوده است کمونیستها اسلحه و نیروهای انسانی به حبشه می‌دهند و غربیها در رأسشان آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان از فروش اسلحه و کمک به سومالی خودداری می‌کنند. این

وضعیّت نشان دهندهٔ توطئه علنی دو ابرقدرت کمونیستی شرقی و سرمایه‌داری غربی است که به منظور نجات حبشه مسیحی صلیبی با یکدیگر متّفق شده‌اند گرچه این توطئه به زیان دو ملّت مُسلمان اریتره و سومالی منتهی گردد.

این مطلب به روشنی وضعیّت غرب را نسبت به مُسلمین نشان می‌دهد که همچون گذشته در باره اسلام و مسلمین جبهه گیری می‌کند و هر گونه شعار و تظاهری را که به قصد صلح و آشتی انجام می‌دهند کوششی به منظور فریب مسلمین بیش نیست. لذا لازمستْ با حذر و احتیاط شدید با این ظاهرسازی مقابله و برخورد کنیم.

غرب تا به حال مانند زالو خون و مواد حیاتی مسلمین را می‌مکد. آخرین اقدام کشتار دستجمعی یکهزار فرد مسلمان در مسجد شهر ریردار در اُستان اوگادن سومالی بود این جنایت هولناک چنین اتّفاق افتاد که نیروهای حبشی، آتش مسلسلهای روسی[1] را برنمازگذاران درمسجد نامبرده گشودند و در یک مرتبه هزار مُسلمان بیگناه را شهید کردند. این جنایت وحشتناک و درنده‌خوئی ضدّ انسانی هیچیک از کشورهای غربی را تحریک ننمود. آیا سکوت آنها بر این جنایت دلیل کافی وجود ندارد....؟ به تحقیق بزرگترین دلیل بر مدّعای ماست لازمست که طوق ترس را بشکنیم و جهان را از لوث ستمگران آزاد نموده و نجات دهیم.

وَٱللّٰهُ غٰالِبٌ عَلٰى اَمْرِه.

«و خداوند بر امر خود غالب است»

---

۱ ـ مجلّة مصری الإعتصامْ شماره‌ماه اکتبر ۱۹۷۷ میلادی.

خاتمه

دشمنان ما چه قدر پست و رذلند، در حالیکه روی اجسادمان به رقص و پایکوبی مشغولند و گوشت بدنهایمان را قطعه‌قطعه کرده و طعمهٔ سگها نموده‌اند ما را وادار می‌کنند که متقابلاً کینه‌شانرا در دل بپرورانیم.

پیغمبر اکرم (ص) هنگامی که مکهٔ مکرّمه را فتح نمود به فرماندهان دشمن فرمودند بروید شما آزاد شدگانید، همان افرادی که خانواده و یارانش را کشته و شکنجه می‌کردند.

صلاح الدین ایّوبی هم پس از فتح قدس و پیروزی بر صلیبیها از جرمشان در گذشت و آزادشان گذاشت و معامله به مثل ننمود درحالیکه برادران و خاندانش را کشته بودند.

در این مورد سؤالی مطرح می‌کنیم: آیا کینه دشمنان و آنچه از جنایت و کشتارهای وحشیانه بر ملّت اسلام روا داشتند پس از پیروزی بر آنان به ما اجازه می‌دهد که نامبردگان را مشمول عفو و گذشت قرار دهیم. به خواست خدا بر دشمن پیروز خواهیم شد چون که خدای متعال چنین مقدّرفرموده و وعده داده است، آیا کینه را با کینه و قتل را با قتل و خون را با خون پاسخ دهیم؟

چنانچه ارادهٔ الهی مقرّر گردد و مُسلمین پیروز شوند به ما در کتاب آسمانی دستور داده است.

(فَمَنْ عَفٰا وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهُ عَلَی آللّه)

ما نمی‌توانیم جز اینکه به دشمن بگوئیم هر کجا مایل هستید بروید شما آزاد هستید زیر پرچم عدالت گستر اسلام آزادانه و در هر مکانی که انتخاب نمودید زندگی کنید.

و الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالمین والصلاة علی نبیه محمد وآله و من سارعلٰی درب الجهاد الّذی خطّه الٰی یوم الدّین.



تهران ـ تلفن ۸۲۰۶۹۱

بها : ۱۰۰ ریال